



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

غدير در سیره

امام حسین
علیه السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غدیر در سیره امام حسین علیه السلام

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه و
آله و سلم

ناشر چاپی:

مرکز غدیرستان کوثر نبی (صلی الله علیه و آله و سلم)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---|
| ۵ | فهرست |
| ۱۰ | غدیر در سیره امام حسین علیه السلام |
| ۱۰ | مشخصات کتاب |
| ۱۰ | ولادت |
| ۱۰ | نسب |
| ۱۰ | تاریخ ولادت امام حسین علیه السلام |
| ۱۱ | کیفیت ولادت امام حسین علیه السلام |
| ۱۲ | استشفای فطرس ملک از قنداقه امام حسین |
| ۱۲ | غدیر در سیره امام حسین علیه السلام |
| ۱۲ | حضور در غدیر خم |
| ۱۲ | احتجاجات امام حسین علیه السلام در مورد امامت مقابل عمرین خطاب |
| ۱۴ | احتجاج امام حسین علیه السلام به حدیث غدیر در سرزمین منا |
| ۱۵ | حادثه تلخ کربلا نتیجه کینه نسبت به صاحب غدیر |
| ۱۵ | نه وارث غدیر از نسل امام حسین علیه السلام |
| ۱۶ | امام حسین علیه السلام کشته ی غدیر |
| ۱۷ | دلایل امامت حضرت امام حسین علیه السلام |
| ۱۷ | امامت در قرآن و حدیث جابر |
| ۱۸ | نص پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در غدیر خم |
| ۱۹ | حدیث جابر |
| ۲۰ | نص پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم |
| ۲۰ | نص امیر المومنین علیه السلام |
| ۲۱ | حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام |
| ۲۳ | نص امام مجتبی علیه السلام |
| ۲۴ | امام حسین علیه السلام از منظر قرآن |

- ۲۴ يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان
- ۲۵ يا ليتنى كنت معهم فافوز فوزاً عظيماً
- ۲۵ يا ايها النفس المطمئنه ارجعى الى ربك راضيه مرضيه
- ۲۵ وابدوا لله و لا تشركوا به شيئاً و بالوالدين احساناً و بذى القربى
- ۲۶ قلنا يا نار كونى برداً و سلاماً على ابراهيم
- ۲۶ يوم ترجف الراجفه تتبعها الرادفه
- ۲۶ امام حسين عليه السلام از منظر پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم
- ۲۶ محب امام حسين محبوب رسول خداست
- ۲۷ رسول خدا مامور به محبت امام حسين اند
- ۲۷ پیامبر امر به دوستى امام حسين مي فرمود
- ۲۷ حب و بغض
- ۲۸ دو گوشواره عرش خداوند
- ۲۸ آرامش دل پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم
- ۲۸ مناقب امام حسين عليه السلام
- ۲۸ معجزه
- ۲۸ زنده شدن مرده با دعای امام حسين عليه السلام
- ۲۹ بارش باران به دعای حضرت
- ۳۰ خارج کردن انگور و موز از دیوار
- ۳۰ اخبار از غيب
- ۳۰ شفای مريض
- ۳۱ اختيارات امامان بيش از حضرت سليمان است
- ۳۱ خبر از اينده
- ۳۱ سخاوت سرشار
- ۳۴ آگاهی به زبان حيوانات
- ۳۷ مكارم اخلاق
- ۳۷ عطوفت و مهربانى

- هم سفره شدن با فقرا ۳۹
- عیادت از بیمار و ادای قرض ۳۹
- احسان به اندازه دانش و معرفت ۳۹
- کرامات پس از شهادت حضرت ۴۱
- أَنَّ أَصْحَابَ الْكُفْهِفِ وَالرَّقِيمِ ۴۱
- وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا... ۴۱
- إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ ۴۱
- استشمام بوی خوشی از سر مقدس حضرت ۴۲
- کوری در اثر حضور در لشکر دشمنان ۴۲
- وقایع بعد از شهادت ۴۲
- نتیجه ظلم ابن زیاد ۴۳
- فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام ۴۳
- اجر و ثواب آنچه شخص در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام انفاق می کند ۴۳
- زیارت امام حسین علیه السلام گناهان را محو می کند ۴۵
- دعای امام صادق علیه السلام در حق زائرین امام حسین علیه السلام ۴۵
- اخبار شهادت ۴۷
- خبر دادن خود حضرت ۴۷
- خبر دادن پیامبر ۴۸
- خبر دادن مولا ۴۸
- احادیث حضرت ۴۹
- از نشانه های عالم ۴۹
- چیزی را بر زبان نیاورد که ۵۰
- حذر کن ۵۰
- همنشینی با افراد پست ۵۰
- من مرگ را جز سعادت نمی بینم ۵۰
- بخشنده ترین مردم ۵۱

- هر کسی که سه روز از ماه شعبان ۵۱
- جز به یکی از سه نفر حاجت میر ۵۱
- سبقت گیرنده اهل بهشت ۵۱
- رستگار نمی شوند ۵۲
- شیعیان ما ۵۲
- در قیامت در امان نیست ۵۲
- عاجزترین مردم ۵۲
- گریه از ترس خدا ۵۳
- نافرمانی خداست ۵۳
- بخشنده ترین مردم ۵۳
- دوست و دشمن تو ۵۳
- منتقم حق اهل بیت ۵۴
- گریه از ترس خدا ۵۴
- من کشته اشکم ۵۴
- تذکری در مورد غریق در نعمت ۵۴
- همنشینی با خردمندان ۵۵
- در خوبی ها با یکدیگر رقابت ۵۵
- غافلگیر کردن بنده ۵۵
- کمال عقل ۵۵
- همانا مردمان بنده دنیايند ۵۶
- بخيل ۵۶
- سلام کردن ۵۶
- هر کس حق عبادت رابه جا آورد ۵۷
- خطبه حضرت در روز عاشورا ۵۷
- تأسی به حسين بن علی عليه السلام ۵۸
- عوض شهادت امام حسين عليه السلام ۵۹

- اشعار ۵۹
- مدح ۵۹
- مه منور شعبان مه رسول خداست ۵۹
- به جای جای دلم جای پای تو است حسین ۶۳
- آفرینش ز غبار قدم توست حسین ۶۴
- سرود ۶۶
- عالم هستی یکسر شده گلشن ۶۶
- فاطمه می گوید امشب، ای فروغ هر دو عینم ۶۸
- خورشید حق شد جلوه گر، مه خریدارش ۷۰
- مرثیه ۷۱
- ماه شب بیدار است شب وصل یار است ۷۱
- برو ای چشم و چراغ دل من ۷۲
- دوبیتی ۷۲
- ای نام تو نقش کشتی نوح، حسین ۷۲
- جان را به حسین فدیہ می باید کرد ۷۳
- هرکس که گریست در عزای تو حسین ۷۳
- سرشک سرخ عاشورا است این خون ۷۳
- درباره مرکز ۷۳

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی (ص)

عنوان و نام پدیدآور: غدیر در سیره امام حسین علیه السلام/ مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی (ص)/ محمد رضا شریفی

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: امام حسین - غدیر

ص: ۱

ولادت

نسب

پدر آن حضرت:

أمیر المؤمنین علی بن ابی طالب بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی، القرشی، الهاشمی، المطلبی، الطالبي، علیه السلام.

امیرالمومنین وصی، خلیفه، جانشین و نفس پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، سید الاوصیا و پس از پیامبر شخص اول عالم وجود و ...

مادر آن حضرت:

فاطمه زهراء، دخت پیامبر خدا محمد - صلی الله علیه و آله و سلم.

و مادر حضرت زهراء - سلام الله علیهما -، خدیجه دختر خویلد بن أسد بن عبد العزی بن قصی است. حضرت زهرا، صدیقه طاهره بتول شهیده پاره تن رسول خدا ام الائمه الاطهار حجه الله علی الحجج و ...

براستی که هیچ نسبی به شرف این نسبت در عالم نرسد!

تاریخ ولادت امام حسین علیه السلام

تاریخ ولادت امام حسین علیه السلام

مشهور آن است که ولادت آن حضرت در مدینه در سیم ماه شعبان بوده، و شیخ طوسی رحمه الله روایت کرده که بیرون آمدن توفیق شریف به سوی قاسم بن علاء همدانی وکیل امام حسن عسکری علیه السلام که مولای ما حضرت حسین علیه السلام در روز پنجشنبه سیم ماه شعبان متولد شده، پس آن روز را روزه دار و این دعا را بخوان:

اللهم انى اسألك بحق المولود فى هذا اليوم... الخ.

و ابن شهر آشوب رحمه الله ذکر کرده که: ولادت آن حضرت بعد از ده ماه و بیست روز از ولادت برادرش امام حسن علیه السلام بوده، و آن روز سه شنبه، یا پنجشنبه، پنجم ماه شعبان، سال چهارم از هجرت بوده، و فرموده: روایت شده که مابین آن حضرت و برادرش فاصله نبوده، مگر به قدر مدّت حمل، و مدّت حمل شش ماه بوده است.

منتهى الآمال فى تواریخ النبى و الآل علیهم السلام (فارسی)، ج ۲، ص: ۶۶۰

کیفیت ولادت امام حسین علیه السلام

کیفیت ولادت امام حسین علیه السلام

شیخ طوسی رحمه الله و دیگران به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده اند که چون حضرت امام حسین علیه السلام متولد شد، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم اسماء بنت عمیس را فرمود که: بیاور فرزند مرا ای اسماء.

اسماء گفت: آن حضرت را در جامه سپید پیچیده به خدمت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم بردم، حضرت او را گرفت و در دامن گذاشت و در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفت، پس جبرئیل نازل شد و گفت: حق تعالی تو را سلام می رساند و می فرماید که چون علی علیه السلام نسبت به تو به منزله هارون است نسبت به موسی علیه السلام، پس او را به اسم پسر کوچک هارون نام کن که شبیر است، و چون لغت تو عربی است او را حسین نام کن. پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم او را بوسید و گریست و فرمود که: تو را مصیبتی عظیم در پیش است. خداوند لعنت کن کشنده او را، پس فرمود که: ای اسماء! این خبر را به فاطمه مگو. چون روز هفتم شد، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که: بیاور فرزند مرا. چون او را به نزد آن حضرت بردم، گوسفند سیاه و سفیدی از برای او عقیقه کرد، یک رانش را به قابله داد و سرش را تراشید و به وزن موسی سرش نقره تصدق کرد و خلوق بر سرش مالید، پس او را بر دامن خود گذاشت و فرمود: ای ابا عبد الله! چه بسیار گران است بر من کشته شدن تو، پس بسیار گریست.

ص: ۲

اسماء گفت: پدر و مادرم فدای تو باد، این چه خبر است که در روز اول ولادت گفتمی و امروز نیز می فرمایی و گریه می کنی؟ حضرت فرمود: که می گریم بر این فرزند دلبنده خود که گروهی کافر ستمکار از بنی امیه او را خواهند کشت، خدا نرساند به ایشان شفاعت مرا، خواهد کشت او را مردی که رخنه در دین من خواهد کرد و به خداوند عظیم کافر خواهد شد، پس گفت: خداوند، سؤال می کنم از تو در حق این دو فرزندم آنچه را که سؤال کرد ابراهیم در حق ذریّت خود. خداوند،

تو دوست داری ایشان را و دوست دار هر کس که دوست می دارد ایشان را، و لعنت کن هر که ایشان را دشمن دارد لعنتی چندان که آسمان و زمین پر شود.

منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل علیهم السلام (فارسی)، ج ۲، ص: ۶۱۶

استشفای فطرس ملک از قنداقه امام حسین

استشفای فطرس ملک از قنداقه امام حسین

هنگامی که امام حسین متولد شد خدا بجبرئیل دستور داد: با گروهی از ملائکه بزمین هبوط کن و از طرف من بحضرت محمد صلی الله علیه و آله تهنیت بگو! وقتی جبرئیل متوجه زمین شد به جزیره ای برخورد در آن جزیره ملکی بود که آن را فطرس میگفتند. خدا آن ملک را بدنبال کاری فرستاده بود و آن ملک کوتاهی کرده بود. خدا پر و بال او را شکسته و ویرا در آن جزیره انداخته بود. مدت هفتصد سال بود که خدا را در آن جزیره میپرستید فطرس بجبرئیل گفت: کجا میروی؟ جبرئیل گفت: بحضور محمد صلی الله علیه و آله و سلم فطرس گفت: مرا با خود ببر، شاید آن حضرت برایم دعا کند.

ص: ۳

موقعی که جبرئیل نزد پیغمبر خدا آمد و جریان فطرس را شرح داد پیامبر خدا فرمود: بگو؛ فطرس بدن خویشان را به امام حسین بمالد. وقتی فطرس بدن خود را به گهواره امام حسین مالید خدای رحمان و رحیم فوراً پر و بال او را عطا کرد. آنگاه فطرس با جبرئیل بطرف آسمان پرواز کرد.

زندگانی حضرت امام حسن (ع)، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۱۹۳

غدیر در سیره امام حسین علیه السلام

حضور در غدیر خم

حضور در غدیر خم

امام حسین علیه السلام خود در مراسم بزرگ غدیر در کنار جد و پدر بزرگوارشان حضور داشتند؛

حضرت رسول خدا در روز شنبه بیست و پنجم ماه ذی قعده غسل کرده و دو لباس احرام همراه برداشتند و از مدینه خارج شدند. اهل بیت حضرت که فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام و سایر فرزندان آن حضرت بودند، و نیز همسران آن حضرت همگی سوار بر هودجهای شتران همراه حضرت بودند.

اسرار غدیر ص ۳۷

احتجاجات امام حسین علیه السلام در مورد امامت مقابل عمر بن خطاب

نقل است که روزی عمر بن خطاب بر منبر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سرگرم ایراد خطبه ای بود و در ضمن آن گفت که او بر اهل ایمان اولی از خودشان است، امام حسین علیه السلام که در گوشه ای از مسجد نشسته بود با شنیدن این کلام فریاد برآورد که:

ای دروغگو از منبر رسول خدا؛ که پدر من است نه پدر تو فرو شو! عمر گفت: بجان خود که این منبر پدر توست نه پدر من، چه کسی این حرفها را به تو یاد داده؛ پدرت علی بن ابی طالب؟! امام حسین علیه السلام فرمود: اگر اطاعت پدرم در این کار را کرده باشم بجان خودم سوگند که او فردی هادی و من پیرو اویم، و او برگردن مردم بنا بر عهد رسول خدا بیعتی دارد، بیعتی که جبرئیل بخاطر آن از جانب خداوند نازل شده که جز افراد منکر قرآن کسی آن را انکار نمی کند، همه مردم با قلبهایشان آن را پذیرفته و با زبان رد نمودند، و ای بر منکرین حق ما اهل بیت، آیا محمد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جز با خشم و غضب و شدت عذاب با ایشان روبرو خواهد شد!! عمر گفت: ای حسین، هر که حق پدرت را انکار کند خدا لعنتش کند، مردم مرا به حکومت رسانده و پذیرفتم، و اگر پدرت را برگزیده بودند ما نیز اطاعتشان می کردیم.

ص: ۴

امام حسین علیه السلام به او فرمود: ای پسر خطاب! کدام مردم پیش از ابو بکر تو را به حکومت رساندند؛ بدون هیچ حاجتی از جانب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و آله و رضایتی از آل محمد؟! آیا رضایت شما همان رضایت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و آله است؟ یا اینکه رضایت اهل او برایش موجب سخط و غضب بوده؟ بخدا که اگر برای زبان گفتاری بود که تصدیقش به درازا کشد و کرداری که اهل ایمان یاریش کنند هرگز به خطا بر دوش آل محمد سوار نمی شدی، که از منبرشان بالا رفته و با قرآنی که بر ایشان نازل شده به همانها حکم کنی کتابی که نه از مشکلاتش با خبری و نه از تأویلش جز شنیدن، و نزد تو خطاکار و محق یکسانند، پس خدای تعالی تو را جزا دهد به آنچه جزای توست و از این احداثی که ببار آورده ای از تو پرسش خوبی کند!

راوی گوید: پس از این کلام عمر در نهایت غضب از منبر فرو آمده و با گروهی از اعوانش رهسپار منزل حضرت امیر علیه السلام شده با اجازه وارد منزل گشته و گفت:

ای أبو الحسن، چه چیزها که امروز از پسرت به من رسید؛ در مسجد رسول خدا صدایش را بر من بلند کرده و توده مردم و اهل مدینه را بر من شوراند!

حضرت مجتبی علیه السلام بدو فرمود: آیا فردی چون حسین، زاده نبی حکم ناروایی را جاری کرده یا طبقات پست از اهل مدینه را شورانده؟! بخدا که جز با حمایت همین گروه پست به این مقام دست نیافتی، پس لعنت خدا بر کسی که این گروه را اغوا کرد!!

ص: ۵

حضرت امیر علیه السلام به فرزندش فرمود: آرام گیر ای ابا محمد، تو نه زود خشمی و نه پست نژاد و نه در جسمت رگی از نااهلان است، پس سخنانم را گوش داده و عجله نکن! عمر به آن حضرت گفت: ابا الحسن! این دو در سرشان فقط هوای خلافت دارند!

حضرت فرمود: این دو بزرگوار از لحاظ نسب نزدیکتر از دیگران به رسول خدایند که دعوی خلافت کنند، ای پسر خطاب بنا بحق این دو رضایتشان را بدست آر تا دیگران که پس از این دو آیند از تو راضی باشند! عمر گفت: منظورت از این جلب رضایت چیست؟

فرمود: جلب رضایت این دو بازگشت از خطا و پرهیز از معصیت با توبه است.

عمر گفت: ای ابو الحسن پسرت را بگونه ای تربیت کن که به پای سلاطین نیچد همانها که حاکمان زمینند!

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: من باید اهل معصیت و آن را تربیت کنم که ترس از خطا و لغزشش دارم، اما کسی که پدر و مؤدبش رسول خدا بوده دیگر کسی در تربیت به مقام او نخواهد رسید، ای پسر خطاب! رضایت این دو را بدست آر! راوی گوید: عمر خارج شده و در مسیر با عثمان بن عفان و عبد الرحمن بن عوف روبرو شد، عبد الرحمن گفت: ای ابا حفص (کنیه عمر) چه کردی، که بحث میان شما بطول انجامید؟! عمر گفت: مگر می شود احتجاجی با پسر ابو طالب و دو فرزندش داشت؟! عثمان گفت: ای عمر ایشان فرزندان عبد مناف اند که در همه موارد فربه اند و سایرین لاغر و نحیفند (در سخن بغایت فربه و سایر مردمان؛ خشک و نافرمانند).

ص: ۶

عمر گفت: من نمی توانم این حماقتی که بدان می بالی به شمار آرم! عثمان در جواب گریبان عمر را محکم گرفت و پیش کشیده و رها کرد و گفت: ای پسر خطاب، مثل اینکه تو حرفهایم را قبول نداری، پس عبد الرحمن بن عوف واسطه شده و آن دو را جدا نموده و مردم هم پراکنده شدند.

الإحتجاج / ترجمه جعفری ؛ ج ۲ ؛ ص ۷۳-۷۷

احتجاج امام حسین علیه السلام به حدیث غدیر در سرزمین منا

احتجاج امام حسین علیه السلام به حدیث غدیر در سرزمین منا

یک سال قبل از مرگ معاویه، امام حسین علیه السلام به زیارت بیت الله الحرام در مراسم پر شکوه، حج مشرف شد عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر او را همراهی نمودند. آن سال عده زیادی از زنان و مردان بنی هاشم حضور داشتند. امام حسین (علیه السلام) در ایام تشریق آنان را در سرزمین منا جمع نمود در آن اجتماع عظیم بیش از هفتصد نفر از مردان تابعین و دو بیست نفر از صحابه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) گرداگرد وجودش زیر خیمه حلقه زدند و منتظر سخنان امام خویش بودند، حضرت پیاپی خاست و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: شما شاهد و ناظر تجاوزات معاویه جنایتکار نسبت به ما و شیعیان هستید و

از آنها اطلاع دارید، سخنان مرا گوش کنید و بنویسید [تا برای آیندگان بماند] و به دیگر شهرها و قبائل و افراد مؤمن و مورد اعتماد خود برسانید و آنان را دعوت به اداء حق ما (اهل بیت) کنید ترس آن دارم که وقتش بگذرد و حقوق ما مغلوب ستمگر گردد، گر چه خداوند بالاترین پشتیبان است. سپس فرمود: شما را به خدا سوگند: بیاد نمی آورید که پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روز غدیر خم پدرم علی (علیه السلام) را وصی و امام بعد از خود قرار داد و حدیث ولایت را بر شما خواند و فرمود همگی باید این پیام را به دیگران برسانید پاسخ دادند: چرا! ما بیاد داریم.

ص: ۷

موسوعه کلمات الامام الحسین (علیه السلام)، ص ۲۷۰/ الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۹، چاپ چهارم.

حادثه تلخ کربلا نتیجه کینه نسبت به صاحب غدیر

بغضا لایبک

پس از آنکه امام حسین علیه السلام با لشکر اتمام حجت نمودند در جواب گفتند: بغضا لایبک..... (بغض پدرت را در سینه داریم)

...فجعل الحسین علیه السلام تاره یحمل علی المیمنه، و تاره علی المیسره، حتی قتل علی ما نقل ما یزید علی عشره آلاف فارس و لا یبین النقص فیهم لکثرتهم، حتی اثنوه بالجراح.

و عن بعض النسخ: أنه قتل فی هذه الحمله خمسين ألفا، و كان الجيش سبعين ألفا غیر السواد الأعظم.

ثم دنا من القوم، و قال: «یا ویلکم! أتقتلونی علی سنّه بدلتها؟ أم علی شریعه غیرتها؟

أم علی جرم فعلته؟ أم علی حقّ ترکته؟».

فقالوا له: «إنا نقلک بغضا لأبیک». فلما سمع کلامهم حمل علیهم، فقتل منهم فی حملته مائه فارس، و رجع إلى خیمته.

الدربندی، أسرار الشّهادة، / ۴۱۰- ۴۱۱ - موسوعه الامام الحسین (علیه السلام)، ج ۴، ص: ۳۷۲

نه وارث غدیر از نسل امام حسین علیه السلام

نه امام از نسل امام حسین علیه السلام

ای مردم، شما بیش از آن هستید که با یک دست و در یک زمان با من دست دهید، و پروردگارم مرا مامور کرده است که از زبان شما اقرار بگیرم درباره ی آنچه منعقد نمودم برای علی امیرالمومنین ۴۰۱ و امامانی که بعد از او می آیند و از نسل من و اویند، چنان که به شما فهماندم که فرزندان من از صلب اویند.

پس همگی چنین بگویند:

«ما شنیدیم و اطاعت می کنیم و راضی هستیم و سر تسلیم فرود می آوریم درباره ی آنچه از جانب پروردگار ما و خودت به ما رساندی درباره ی امر امامت امامان علی

ص: ۸

امیرالمومنین و امامانی که از صلب او به دنیا می آیند. بر این مطلب با قلبهایمان و با جانمان و با زبانمان و با دستانمان با تو بیعت می کنیم. بر این عقیده زنده ایم و با آن می میریم و (روز قیامت) با آن محشور می شویم. تغییر نخواهیم داد و تبدیل نمی کنیم و شک نمی کنیم و انکار نمی نماییم و تردید به دل راه نمی دهیم و از این قول بر نمی گردیم و پیمان را نمی شکنیم.

تو ما را به موعظه ی الهی نصیحت نمودی درباره ی علی امیرالمومنین و امامانی که گفتی بعد از او از نسل تو و فرزندان اویند، یعنی حسن و حسین و آنان که خداوند بعد از آن دو منصوب نموده است.

پس برای آنان عهد و پیمان از ما گرفته شد، از قلبهایمان و جانهایمان و زبانهایمان و ضمیرمان و دستهایمان. هر کس توانست با دست بیعت می نماید و گرنه با زبانش اقرار می کند. هرگز در پی تغییر این عهد نیستیم و خداوند (در این باره) از نفسهایمان دگرگونی نبیند.

ما این مطالب را از قول تو به نزدیک و دور از فرزندانمان و فامیلان می رسانیم، و خدا را بر آن شاهد می گیریم. خداوند در شاهد بودن کفایت می کند و تو نیز بر این اقرار ما شاهد هستی». اسرار غدیر صفحه ۱۸۷

امام حسین علیه السلام کشته ی غدیر

با مرگ معاویه و روی کار آمدن یزید، این مذبح بزرگ آماده ی سر بریدن غدیر بود، و این بار غدیر، با همه ی وجود و به همراهی تنی چند از فداکارترین نیروهایش به میدان آمد. او حسین علیه السلام بود، و همراه گروهی آمد که برای شهادت و قطعه قطعه شدن و فداشدن کمر همت بسته بودند و گروهی دیگر که برای اسیر شدن و اشک ریختن برای غدیر سر بریده و معرفی غدیر به بی خبران شام آماده بودند. در اینجا سخن امام صادق علیه السلام علنا به ظهور رسید که فرمود:

ص: ۹

«اذا كتب الكتاب قتل الحسين عليه السلام»،

«آنگاه که پیمان سقیفه در مقابل غدیر امضا شد امام حسین علیه السلام کشته شد!»

آری غدیر را با یاران باوفایش سربریدند و خیمه های آسمان عمود آن را غارت کردند و آتش زدند و عزیزان غدیر را به اسیری بردند تا در شهرهای سقیفه به آن افتخار کنند و به همه اعلام کنند که کار غدیر پایان یافت، اما...!

غدیر از همان روز کربلا حیات حقیقی خود را آغاز کرد و پس از ۵۰ سال که در چنگال سقیفه و اوپاش آن گرفتار بود برگ جدیدی از حیات خود را ورق زد.

با شهادت امام حسین علیه السلام برای بار دوم آوازه ی غدیر تا دورترین نقاط دنیا رفت و حتی کفار و مشرکان اهل سقیفه را لعنت کردند و سرفرازی غدیر را آفرین گفتند.

اما این بار جنگ سقیفه و غدیر زبانه کشید و حسد و کینه ی اهل سقیفه چنان شعله کشید که سلاخانی چون حجاج را به نیابت از سقیفه برگزیدند. آنها هم با چراغ آمدند و فداییان غدیر را برگزیدند و در مذبح سقیفه قطعه قطعه کردند. امثال قنبر خود را خوش به بستر شهادت غدیر معرفی کردند. اگر چه زبانشان را بریدند و یا از پشت سر بیرون آوردند، اما این بهای غدیر بود که از جان و دل می پرداختند.

گویا حزب سقیفه به خوبی دریافتند که غدیر هنوز زنده است و هر روز زنده تر می شود. غدیر در انتظار نسلهایی است که چون جانان گمشده با آغوش باز آن را پذیرا خواهند شد و با پای دل در صحرای غدیر حضور می یابند و با صاحب غدیر بیعت می کنند.

اینسان شد که غدیر را به مسلخ کربلا کشانند و می رفت تا خوابهای روسای سقیفه تعبیر شود.

ص: ۱۰

اسرار غدیر ص ۲۹۳

دلایل امامت حضرت امام حسین علیه السلام

امامت در قرآن و حدیث جابر

امامت در قرآن و حدیث جابر

مرحوم شیخ صدوق در کتاب نصوص از جابر بن یزید جعفری از یزید جعفری از جابر بن عبد الله انصاری حدیث کند که گفت: چون خدای تعالی این آیه را بر پیغمبر اکرم نازل فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده اید خدای را اطاعت کنید و پیغمبر و صاحبان امر خویش را فرمان برید، سوره نساء، آیه ۶۰» عرض کردم: ای رسول خدا ما خدا و پیغمبر را شناخته ایم (اکنون بیان فرما) صاحبان امری که خداوند فرمانبرداری ایشان را به فرمانبرداری خودش همراه و قرین کرده کیانند؟ فرمود: ای جابر! جانشینان و امامان مسلمین بعد از من، نخستین آنها: علی بن ابی طالب سپس حسن و پس از او حسین و سپس علی بن الحسین و پس از او محمد بن علی است که در تورات به باقر معروف است، و ای جابر تو او را درک خواهی کرد، پس هر گاه او را ملاقات کردی سلام مرا به او برسان، و پس از او صادق جعفر بن محمد سپس موسی بن جعفر و پس از او علی بن موسی سپس محمد بن علی و پس از او علی بن محمد سپس حسن بن علی و پس از او همنام و هم کنیه من، حجت خدای تعالی در زمین و بقیه الله در میان بندگان او، فرزند حسن بن علی، همان کسی که خداوند شرق و غرب زمین را به دست او بگشاید. آن

کسی که از شیعیان و دوستانش پنهان شود و غیبت کند؛ غیبتی که در آن غیبت به اعتقاد به امامت او پابرجا نماند مگر کسی که خداوند قلبش را به ایمان آزمایش کرده است. جابر گوید، عرض کردم: ای رسول خدا، آیا برای شیعیانش در حال غیبت او بهره و نفعی از او هست؟ فرمود: آری قسم به آنکه مرا به راستی به پیغمبری مبعوث فرموده، ایشان به نور او روشنی جویند، و به ولایت او بهره مند شوند همان گونه که مردم به خورشید بهره مند شوند اگر چه ابر آن را پوشانند، ای جابر این (که برایت گفتم) از اسرار مکنونه، و علم مخزون خدا است، جز از اهلش او را پوشیده دار.

ص: ۱۱

جابر بن یزید گوید: پس (روزی) جابر بن عبد الله انصاری بر حضرت علی بن الحسین علیه السلام وارد شد همین طور که حضرت با او صحبت می فرمود ناگاه حضرت باقر از نزد زنها بیرون آمد و بر سرش گیسوانی بود، و او کودکی بود، چون (چشم جابر به او افتاد و) او را دید؛ بدنش به لرزه افتاد و موهایش راست شد و نگاهی ممتد و طولانی به او کرد، سپس گفت: ای کودک نزدیک بیا.

حضرت نزدیک آمد. گفت: برگرد حضرت برگشت. جابر گفت: به خدای کعبه سوگند شمائل پیغمبر است (که در شما می بینم) سپس برخاست؛ و نزد آن حضرت آمده عرض کرد: ای فرزند نامت چیست؟ فرمود: نامم محمد است عرض کرد: فرزند کی؟ فرمود: فرزند علی بن الحسین.

عرض کرد: جانم به قربانت ای فرزند، پس شما باقر هستی؟ فرمود: آری آنچه رسول خدا نزدت گذارده به من برسان؛ عرض کرد: ای آقای من رسول خدا مرا به زندگی تا زمان دیدار شما مژده داد و فرمود: هر گاه او را دیدار کردی سلام و درود مرا به او برسان، پس ای مولای من، رسول خدا شما را سلام رسانده است، فرمود: ای جابر درود بر پیغمبر خدا باد مادامی که آسمانها و زمین برپا است، و درود بر تو چنانچه سلام را رساندی، (پس از این قصه) جابر گاه گاهی خدمت حضرت باقر علیه السلام شرفیاب می شد و (علمی که می خواست از آن حضرت) فرا می گرفت (روزی) حضرت راجع به مطلبی از جابر پرسش فرمود، جابر عرض کرد: به خدا سوگند (اگر جواب گویم) در نهی رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار می گیرم، زیرا به من خبر داد که شما امامان راهنمای اهل بیتش بعد از او خردمندترین مردم در کودکی، و داناترین آنها در بزرگی هستید، و فرمود: به ایشان چیزی نیاموزید زیرا ایشان از شما داناترند؛ حضرت فرمود: جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله راست گفته من به آنچه از تو پرسش کردم داناترم، و دانش و فرزاندگی در کودکی به من عنایت شده، و تمامی اینها به فضل و رحمت پروردگار متعال بر ما خانواده است.

ص: ۱۲

الإنصاف فی النص علی الأئمة الإثنی عشر علیهم السلام / ترجمه رسولی محلاتی، فارسی، ص: ۱۷۶-۱۷۹

نص پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در غدیر خم

نص پیامبر ص در غدیر خم

پیامبر در غدیر خم فرمودند:

من صراط مستقیم خداوند هستم که شما را فرمان به پیروی از آن داده است و بعد از من علی و سپس فرزندانم از نسل او هستند. آنان که امامانی هدایت کننده به سوی حقند.

- امامت در نسل من از فرزندان علی است تا روز قیامت که خدا و رسولش را ملاقات می کنید.

- هر کس از خدا و رسولش و علی و امامانی که ذکر کردم اطاعت کند به رستگاری بزرگ دست یافته است.

- با امیرالمومنین علی و حسن و حسین و امامان، به عنوان کلمه ی باقی و طیب و طاهر بیعت کنید.

- قرآن به شما می گوید که امامان بعد از علی، فرزندان او هستند، و من هم به شما معرفی کردم که امامان از نسل من و او هستند. قرآن می گوید: «و جعلها کلمه باقیه فی عقبه»، و من گفتم: «لَنْ تَضَلُّوا مَا انْتُمْ تَمْسُكْتُمْ بِهَا».

- کسانی که علی و امامان از فرزندان من و از نسل او تا روز قیامت را به عنوان امام قبول نکنند، آنان کسانی اند که اعمالشان سقوط می کند و دایما در آتش خواهند بود.

- من خلافت را به عنوان امامت و وراثت در نسل خود تا روز قیامت باقی می گذارم.

- حلال و حرام بیش از آن است که در مجلس واحد همه را بشمارم، پس من مامورم از شما بیعت بگیرم بر آنچه از جانب خدا آوردم درباره ی مقام علی امیرالمومنین و امامان بعد از او تا روز قیامت، که از نسل من و او هستند، و قایم آنان مهدی است.

ص: ۱۳

- حلالی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و دوازده امام حلال بدانند، و حرامی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و دوازده امام حرام بدانند.

اسرار غدیر صفحه ۹۲

حدیث جابر

حدیث جابر

نعمانی در کتاب غیبت از جابر بن یزید جعفی از حضرت باقر علیه السّلام از سالم بن عبد الله بن عمر از پدرش عبد الله بن عمر روایت کرده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شبی که خداوند مرا به آسمانها برد به من وحی فرمود: ای محمد چه کسی را در زمین بر امت خود خلیفه قرار دادی؟- و خودش دانایتر بود (به این سؤال)- عرض کردم: پروردگارا

برادرم را فرمود:

علی بن ابی طالب؟ عرض کردم: آری پروردگارا، فرمود: ای محمد من به زمین توجّهی کردم و از آن تو را برگزیدم، پس در جایی نام من برده نمی شود تا اینکه نام تو نیز با من برده شود، من محمودم و تو محمد، سپس بر زمین توجّه دیگری کردم و از آن علی بن ابی طالب را برگزیدم و او را وصی تو قرار دادم، و تو سید پیغمبرانی و علی سید اوصیاء است، پس برای او نامی از نامهای خود جدا کردم من اعلایم و او علی است؛ ای محمد من علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان را از یک نور آفریدم، سپس ولایت آنها را بر ملائکه عرضه داشتیم، هر که پذیرفت از مقربان شد، و هر که نپذیرفت در زمره کافران قرار گرفت. ای محمد اگر بنده ای از بندگانم مرا عبادت کند تا (به حدی) که بریده شود، و پس از آن در حال انکار ولایت شما نزد من آید او را در آتش داخل کنم، سپس فرمود: ای محمد می خواهی ایشان را ببینی؟ عرض کردم: آری، فرمود: برخیز و پیش رویت نگاه کن، به جلو رفته (و نظر کردم) دیدم علی بن ابی طالب و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجت قائم علیه السلام مانند ستاره درخشانی در وسط آنها بود. عرض کردم: بار خدایا اینها کیانند؟ فرمود: ایشان امامانند، و این هم قائم است، که حلال مرا حلال و حرام را حرام نماید، و از دشمنانم انتقام گیرد ای محمد او را دوست دار، زیرا من دوستش دارم، و دوست دارم هر که او را دوست بدارد.

ص: ۱۴

الإِنصاف فی النص علی الأئمة الإثنی عشر علیهم السلام / ترجمه رسولی محلاتی، فارسی، ص: ۱۷۴-۱۷۵

نص پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

نص از پیامبر صلی الله علیه و آله

امامت آن حضرت به فرموده صریح جدّش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ثابت شده است

آنجا که فرمود: «الحسن و الحسین إمامان قاما او قعدا».

«حسن و حسین دست به قیام بزنند یا سکوت کنند، امام و پیشوایند».

سلحشوران طف، ترجمه إِبصار العین، ص: ۳۴

نص امیر المؤمنین علیه السلام

حدّثنا یحیی بن آدم، قال حدّثنا جعفر بن زیاد الاحمر، عن اَبی الصیرفی، عن صفوان بن قبیصه، عن طارق بن شهاب قال: قال امیر المؤمنین علیه السلام للحسن و الحسین: أنتم إمامان بعدی و سیدا شباب أهل الجنّه، و المعصومان حفظكما الله و لعنه الله علی من عاداکما

مولا امیر المومنین خطاب به امام حسن و امام حسین فرمودند: شما دو امام پس از من هستید و دو آقای بهشتیان هستید و دارای مقام عصمتید، ولعنت خداوند بر کسی که با شما دشمنی ورزد.

مسند الإمام الشهيد (ع)، العطاردی، ج ۱، ص: ۵۶

حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام

ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که آن جناب فرمود:

پدرم به جابر بن عبد الله انصاری گفت: من به شما احتیاجی دارم هر گاه سرت خلوت شد میل دارم با شما ملاقات کنم، و در پیرامون آن مسأله مورد احتیاج گفتگو کنم جابر گفت: هر گاه میل داشته باشی حاضر هستم.

روزی پدرم با وی ملاقات کرد و گفت: ای جابر اکنون مرا از جریان لوحی که در نزد جدده ام فاطمه علیها السلام دیدی و از مذاکراتی که در این باب با شما انجام گرفت مطلع کنید، جابر گفت: خدا را گواه میگیرم بر این مطلبی که اظهار میکنم، روزی خدمت مادرت حضرت زهراء سلام الله علیها مشرف شدم و این در هنگامی بود که هنوز حضرت رسول صلی الله علیه و آله حیات داشتند.

ص: ۱۵

علت شرفیابی من این بود که میل داشتم حضرت زهرا را در ولادت حسین علیه السلام تبریک و تهنیت بگویم، در دست زهرا علیها السلام لوح زردی مشاهده کردم که گوئی زمرد بود، و در آن لوح نوشته هائی را دیدم که مانند نور آفتاب میدرخشید، عرض کردم:

پدر و مادرم فدایت باد ای دختر پیغمبر این لوح چیست؟

فرمود: این لوحی است که خداوند او را به پدرم رسول الله هدیه کرده است، در این لوح نام پدرم و شوهرم و فرزندانم و هم چنین نامهای اوصیای از فرزندانم نوشته شده، پدرم این لوح را به من هدیه کرده تا مرا خوشوقت کند.

جابر گفت: مادرت آن لوح را به من داد، من او را قرائت کردم و از وی نسخه برداشتم، پدرم گفت: ممکن است او را به من نشان دهی، گفت: مانعی ندارد اینک لوح در اختیار شما است، حضرت صادق علیه السلام فرمود: پدرم با جابر تا منزل او رفت و لوح را بیرون آورد و به پدرم نشان داد، جابر گوید: من خداوند را گواه میگیرم که این کلمات را در لوح دیدم: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* این کتابی است از طرف خداوند توانا و درستکار برای محمد که نور او و سفیر او و حجاب او و رهنمای اوست، این نامه را جبرئیل امین از نزد خداوند جهانیان فرود آورده، ای محمد نامهای مرا بزرگ بشمار و از نعمتهای من سپاسگزاری کن، منم خدائی که جز من معبودی نیست، منم شکننده پشت ستمگران و عزت دهنده ستمدیدگان و قاضی و حاکم روز رستاخیز.

منم خداوندی که جز من معبودی نیست، هر کس غیر از احسان من از دیگری امیدوار باشد و یا غیر از عدل من از دیگری بترسد، او را عذابی دهم که احدی را مانند آن عذاب نکرده باشم، اکنون مرا عبادت کنید و بر من توکل نمائید.

ص: ۱۶

پیغمبری را مبعوث نکردم مگر اینکه در هنگام انقضای زمان او برایش وصی تعیین میکنم، من تو را بر همه پیغمبران برتری دادم و وصی تو را نیز بر سایر اوصیاء برگزیدم، و تو را به دو فرزندت که در واقع دو شیر بچه اند حسن و حسین گرامی داشتم، حسن را بعد از گذشتن زمان پدرش معدن علم خود قرار دادم، و «حسین» را گنجور وحی خویش ساختم و او را به شهادت گرامی داشتم، و عاقبت کار او را به سعادت ختم نمودم، او افضل شهداء و بلندترین مقام را در میان آنها دارد، کلمه تامه و حجت بالغه خود را در نزد او گذاشتم، بوسیله عترت او جزا میدهم و عقاب میکنم.

اول عترت وی «علی» است که پیشوای عبادت کنندگان و زینت دوستان گذشته ام هست، و فرزندش «محمد» که همانم جدش میباشد شکافنده علم و معدن حکمت من است، زود است که مردم در باره «جعفر» به شک گرفتار شوند و هلاک گردند کسی که وی را تکذیب کند گویا مرا تکذیب کرده است، و من جایگاه جعفر را گرامی خواهم داشت، و او را بوسیله شیعیان و دوستان و پیروانش خوشنود خواهم ساخت.

پس از وی به «موسی» فتنه تاریک و ظلمانی نازل خواهد شد، مقدرات من تغییر نمیکند، و برهانم پنهان نمیماند، و دوستانم از جام لبریزی سیراب خواهند شد، هر کس یکی از آنها را انکار نماید به نعمت من ناسپاسی کرده است، و هر که آیه ای از

کتاب مرا تحریف کند بر من دروغ بسته است، وای بر مفترین و منکرین.

در این هنگام که زمان «موسی» منقضی گردد، بنده برگزیده ام «علی» که ولی و یاری کننده من است خواهد آمد، کسی که سنگینهای نبوت را بر دوش او می گذارم و او را بقوت و نیرو در حمل اعباء رسالت آزمایش میکنم، او را دیوی سرکش و خودپرست خواهد کشت، و در شهری که بنای آن بدست بنده صالح گذاشته شده در نزد بدترین مخلوقات من دفن خواهد شد.

ص: ۱۷

گفته من حق است او را بوسیله فرزندش «محمد» که جانشین و وارث علم و دانش اوست مسرور خواهم ساخت، او معدن علم و محل اسرار و بر مخلوقاتم حجت است، هیچ بنده به وی ایمان نیاورد مگر اینکه بهشت را جایگاه او قرار خواهم داد، و او را در باره هفتاد نفر از خویشاوندانش که آتش جهنم بر آنها لازم شده باشد شفیع خواهم ساخت.

فرزند او «علی» را که دوست و یاری کننده من است عاقبت کارش را به سعادت و خوشبختی پایان میدهم و او را گواه در میان مردمان و امین در وحی خود قرار خواهم داد، و از وی دعوت کننده بطریقم و خازن علم خود «حسن» را بیرون خواهم آورد و او را هم بفرزندش «م ح م د» که وسیله آمرزش برای جهانیان است تکمیل خواهم نمود.

در این فرزند کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب نهفته است، در زمان او دوستانم خوار خواهند شد و سرهای آنها را به یک دیگر هدیه خواهند داد، همان طور که سرهای ترک و دیلم را بهم هدیه میدادند، اینان کشته میشوند و سوخته میگردند، آنان همواره ترسناک، مرعوب، و اندیشه مند هستند، زمین به خون آنها رنگین می شود، فریاد و ناله و بانگ و شیون از زنان آنان بلند است.

این افراد از دوستان حقیقی و واقعی من هستند، به خاطر اینها هر فتنه تاریک و ظلمانی را دفع خواهم کرد، و برای وجود اینها زلزله ها را برطرف میکنم، و سختی ها

و ظلم ها را برمیدارم، این دسته از مردم مشمول رحمت خداوند بوده و صلوات او شامل آنها میباشد، و اینان در واقع هدایت شده هستند.

ص: ۱۸

ابو بصیر در پایان حدیث گفتند: اگر در روزگار جز این حدیث را نشنیده باشی برایت کفایت میکند.

زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام / ترجمه إعلام الوری، ۱ جلد، اسلامیه - تهران، چاپ: اول، ۱۳۹۰ ق.

نص امام مجتبی علیه السلام

۱) مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السلام روایت میکنند که آن جناب فرمود هنگامی که حضرت امام حسن را مرگ نزدیک شد به قبر فرمود: بین پشت در غیر از آل محمد مؤمنی دیگر هست، قبر گفت: خدا و رسول و فرزند رسول به این موضوع داناتر هستند، فرمود: اکنون بروید و محمد بن علی را نزد من حاضر کنید، قبر گوید:

من رفتم و سفارش را به محمد گفتم، وی اظهار داشت مگر خبر تازه ای پیش آمده؟! قبر گوید: گفتم هر چه زودتر در نزد ابو محمد حاضر گردید، وی با عجله هر چه بیشتری خود را خدمت حضرت امام حسن علیه السلام رسانید، و پس از سلام در مقابل آن جناب ایستاد، حضرت فرمود اکنون بنشین، سزاوار نیست امثال شما در هنگام استماع کلماتی که مردگان بوسیله آن زنده میشوند، و زندگان از شنیدن آن میمیرند غائب باشید.

حضرت مجتبی علیه السلام فرمود: وجود خود را هم چون ظرفی قرار دهید که علم و دانش در آن جای گیرد، و مانند شعله های فروزان شب های تاریک و ظلمانی را روشن کنید، روشنائی روز با یک دیگر فرق دارند و بعضی ساعات از ساعات دیگر روشنتر هستند، آیا شما نمی بینید خداوند فرزندان ابراهیم را بر یک دیگر فضیلت داده، و بر داود زبور مرحمت کرده و محمد را از میان آنان برسالت برگزیده است.

ص: ۱۹

ای محمّد اکنون بدان من میترسم گرفتار حسد گردی و خداوند فرموده: «کسانی که حق از برای آنان روشن شد و لیکن از

روی حسد روی حق سرپوش گذاشتند» و خداوند شیطان را بر تو مسلط نساخته است، ای محمد اینک بشنو سخنی را که از پدرت شنیده ام و این سخن را در باره تو فرموده است.

من از پدرت شنیدم آنگاه که در بصره بودیم میفرمود: هر کس میل دارد در دنیا و آخرت به من نیکی کند بفرزندم محمد نیکی نماید و او را خوشحال کند، ای محمد اگر بخواهم از حال تو اطلاع دهم در وقتی که در پشت پدرت نطفه بودی اطلاع میدهم ای محمد آیا نمیدانی که حسین بن علی پس از وفات من امام است و در نزد خداوند وارث پیغمبر است و این ارث را از پدر و مادرش اخذ کرده است.

خداوند دانا است که شما بهترین مردم هستید و از میان شما محمد را برسالت برگزید، و محمد هم علی را اختیار کرد و علی هم مرا برای امامت برگزید و من هم حسین را برای شما اختیار کردم.

محمد بن علی گفت: تو امام و پیشوا و سید من هستی، من در عقیده خود ثابت و پابرجا هستم و هیچ وقت گرفتار وساوس شیطان نیستم، ایمان من چنان محکم و استوار است که بادهای سخت او را از بین نمیرد و مانند نقوش بر صفحه کاغذ ترسیم شده است حسین علیه السلام داناترین ما است از جهت علم و دانش، و سنگین ترین ما است از نظر حلم و بردباری، و از همه ما به حضرت رسول صلی الله علیه و آله نزدیکتر است، وی امام و پیشوای ما بود قبل از اینکه آفریده شود، و ناطق وحی بود پیش از اینکه به سخن گفتن آید و اگر خداوند میدانست کسی از غیر ما داناتر هست محمد را برسالت اختیار نمیکرد، محمد علی را اختیار نمود و علی شما را برگزید و تو هم حسین را انتخاب کردی ما به این انتخاب رضایت داریم و تسلیم گفته شما هستیم.

ص: ۲۰

زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام / ترجمه إعلام الوری، متن، ص: ۳۱۰

۲) کلینی و شیخ طبرسی به سندهای معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که چون هنگام ارتحال حضرت امام حسن علیه السلام شد، حضرت امام حسین را طلبیده فرمود که: ای برادر تو را وصی خود می گردانم، و وصیت می کنم که چون من از دنیا رحلت کنم مرا غسل دهی و کفن کنی و بر من نماز کنی، و مرا به نزد قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بری که عهد خود را به او تازه کنم، و به نزد قبر مادرم فاطمه ببری، پس مرا در بقیع دفن کنی

جلاء العیون، مجلسی، ص: ۵۱۳

امام حسین علیه السلام از منظر قرآن

یخرج منهما اللؤلؤ والمرجان

“یخرج منهما اللؤلؤ والمرجان” (الرحمن ۲۲)

و خارج کرد از آن دو دریا، لؤلؤ و مرجان را .

از امام صادق (علیه السلام) روایت است که منظور از "لؤلؤ و مرجان" امام حسن و امام حسین علیهما السلام است .

تفسیر البرهان ، ج ۴ ، ص ۲۶۵ ، حدیث ۳

یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً

“ یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً ” (نساء ۷۳)

(می گویند: ای کاش من هم با آنها بودیم و به رستگاری بزرگی می رسیدم .

امام رضا (علیه السلام) به “ریان بن شیب” فرمود: ای پسر شیب! اگر دوست داری که در مکان های بنا شده در بهشت با پیامبر و خاندانش باشی ، پس قاتلان حسین (علیه السلام) را لعنت نما ، ای پسر شیب! اگر دوست داری به ثواب کشته شدگان در راه حسین برسی پس چون او را یاد کنی بگو: “ ای کاش با آنان بودم و به پیروزی و کامیابی بزرگی می رسیدم “

ص: ۲۱

امالی ، صدوق ص ۱۳۰

یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه

“ یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه ” (فجر، ۲۷ و ۲۸)

(تو ای روح آرام یافته به سوی پروردگارت باز گرد، در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است).

امام صادق (علیه السلام) فرمود: سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود بخوانید ، که آن سوره امام حسین (علیه السلام) است .

“ ابو اسامه که در مجلس حاضر بود پرسید: چگونه این سوره به حسین بن علی اختصاص دارد؟ فرمود: آیا آن سخن را نشنیده ای که خدا فرمود یا ایتها النفس المطمئنه؛ منظور خداوند از نفس مطمئنه حسین بن علی است که دارای روح آرام یافته ای است و هم خدا از او راضی است و هم او از خدا راضی است .

بحار الانوار، علامه مجلسی ، ج ۴۴ ، ص ۲۱۸

واعبدوا الله و لا تشركوا به شیئاً و بالوالدین احساناً و بذی القربی

“واعبدوا الله ولا تشركوا به شيئاً وبالوالدين احساناً و بذى القربى ... “ (نساء ۳۶)

و خدای یکتا را بپرستید و هیچ چیزی را شریک او نگیرید و احسان کنید به پدر و مادر و خویشاوندان .

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که منظور از “والدین” رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) است و منظور از “ذی القربی” حسن و حسین علیهما السلام است .

بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۶۹، ص ۱۹

قلنا یا نار کونی برداً و سلاماً علی ابراهیم

ص: ۲۲

“قلنا یا نار کونی برداً و سلاماً علی ابراهیم“ (انبیاء ، ۶۹)

ما خطاب کردیم: ای آتش! برای ابراهیم سرد و سالم باش .

امام صادق (علیه السلام) از امام حسین (علیه السلام) روایت می کند که آن حضرت در کربلا، قبل از کشته شدن فرمود :

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گفت : پسر من ! تو روزی به عراق می روی و به شهادت می رسی و جماعتی با تو به شهادت می رسند و سپس آن حضرت آیه مبارکه فوق را تلاوت کرد ، و فرمود: جنگ برای تو و اصحابت سرد و سالم می شود . پس بشارت داد بر آنان که به خدا قسم ! اگر ما را به قتل برسانند ، ما وارد بر پیامبران می شویم ... بحارالانوار ، ج ۴۵ ، ص ۸۰ ، حدیث ۶

یوم ترجف الراجفه تتبعها الرادفه

در مورد تاویل آیه ی شریفه ی (یوم ترجف الراجفه تتبعها الرادفه) (۷۶ تا نزعات)

(روزی که لرزنده بلرزد و پی آن لرزه دیگری افتد .)

از امام صادق (علیه السلام) روایت است که منظور از الراجفه حسین بن علی (علیه السلام) است .

(تاویل الایات ، ج ۲، ص ۷۶۲، حدیث ۱)

امام حسین علیه السلام از منظر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

محب امام حسین محبوب رسول خداست

از عبد العزیز و او از حضرت علی علیه السلام نقل شده که آن جناب فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

ای علی (علیه السّلام) این دو کودک یعنی حسن و حسین علیهما السّلام، من را منصرف کرده اند از اینکه کسی بعد از ایشان را دوست داشته باشیم، پروردگارم مرا امر فرمود که ایشان و کسی که ایشان را دوست دارد، دوست داشته باشم.

ص: ۲۳

کامل الزیارات / ترجمه ذهنی تهرانی ؛ ؛ ص ۱۴۸

رسول خدا مامور به محبت امام حسین اند

نقل شده، عبد السّلام بن حرب می گوید:

کسی که حدیث را از بکر بن عبد الله مزنی شنیده برایم از عمران بن حصین نقل نموده که وی گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمودند:

ای عمران: هر چیزی در قلب جایگاهی دارد ولی جای گاه این دو کودک (امام حسن و امام حسین علیهما السّلام) از قلب من هرگز مکان خاصی نیست.

عمران می گوید: عرض کردم ای رسول خدا تمام قلب شما جای گاه این دو است؟

حضرت فرمودند: ای عمران: آنچه بر تو مخفی مانده بیش از آن است که دانسته ای، خداوند متعال من را به محبت ایشان امر فرموده است.

کامل الزیارات / ترجمه ذهنی تهرانی ؛ ؛ ص ۱۵۰

پیامبر امر به دوستی امام حسین میفرمود

از ابو ذر غفاری نقل شده که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم من را به محبت امام حسن و امام حسین علیهما السّلام امر فرمود پس من ایشان و کسی که آنها را دوست داشته باشد دوست دارم زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایشان را دوست دارد.

کامل الزیارات / ترجمه ذهنی تهرانی ؛ ؛ ص ۱۴۸-۱۵۰

حب و بغض

سلمان فارسی گوید: پیغمبر فرمود: حسنین دو فرزند من هستند هر کس آنان را دوست بدارد مانند این است که مرا دوست داشته باشد و هر کس مرا دوست داشته باشد خداوند را دوست داشته و کسانی که خدا را دوست داشته باشد به بهشت داخل خواهند شد، و کسانی که بغض آنان را در دل داشته باشد مرا دشمن داشته و کسانی که دشمن من باشند خداوند دشمن آنها

است، و دشمنان خداوند برو در جهنم افکنده خواهند شد. ترجمه إعلام الوری، متن، ص: ۳۱۴

ص: ۲۴

دو گوشواره عرش خداوند

ابو عوانه مرفوعا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرد که حسنین دو گوشواره عرش خداوند هستند، بهشت گفت: خداوندا تو ضعفا را در من جای دادی خداوند فرمود: من تو را به حسنین زینت دادم باز هم رضایت نداری، در این هنگام بهشت مانند نو عروسان بر خود بالید و سکوت کرد.

ترجمه إعلام الوری، متن، ص: ۳۱۴

آرامش دل پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

عبد الله بن بریده گوید: از پدرم شنیدم میگفت: روزی حضرت رسول برای ما خطبه میخواندند، در این هنگام حسنین در حالی که دو پیراهن قرمزی در بر داشتند از راه رسیدند، و در هنگام راه رفتن بزمین می افتادند، پیغمبر از منبر فرود آمد و آن ها را گرفت و در مقابل خود نشانید، پس از این فرمود: خداوند راست گفته که:

اموال و اولاد سبب آزمایش شما هستند، من این دو کودک را دیدم بر زمین می افتند دلم آرام نگرفت لذا سخن خود را قطع کردم و آن ها را از زمین بلند کردم. ترجمه إعلام الوری، متن، ص: ۳۱۴

مناقب امام حسین علیه السلام

معجزه

زنده شدن مرده با دعای امام حسین علیه السلام

زنده شدن مرده با دعای امام حسین (ع)

یحیی بن امّ طویل می گوید: خدمت امام حسین - علیه السلام - بودیم که جوانی بر آن حضرت وارد شد در حالی که می گریست. حضرت به او فرمود: برای چه گریه می کنی؟

پاسخ داد: هم اکنون مادرم بدون وصیت، فوت نمود، در حالی که ثروتی داشت و به من امر کرده بود تا کاری نکنم مگر اینکه شما را از آن باخبر نمایم.

امام به اصحاب خود فرمود: برخیزید تا نزد آن زن برویم.

ص: ۲۵

راوی می گوید: پس به اتفاق ایشان به آن خانه ای که زن را در آن خوابانیده بودند، رفتیم. امام حسین - علیه السّلام - دعا کرد و از خدا خواست تا او را زنده کند تا وصیت نماید. در آن هنگام خداوند متعال او را زنده کرد.

پس، آن زن نشست و شهادتین گفت. و متوجه حضرت شد و عرضه داشت: ای مولای من! بفرمایید داخل خانه. حضرت داخل شده و نزدیک او نشست و به او فرمود: خدا تو را رحمت کند! وصیت کن.

زن گفت: ای پسر پیغمبر - صلی الله علیه و آله - من فلان مقدار مال در فلان محل دارم؛ یک سوم آن را برای شما قرار دادم تا آن را در هر کجا که می خواهید، مصرف کنید و دو سوم دیگر آن، برای پسر من باشد. البته اگر از دوستان شماست. و اگر از مخالفین شما باشد، حقّی در آن ندارد و همه اموال، مال شماست. سپس آن زن از امام حسین - علیه السّلام - تقاضا کرد که بر او نماز گزارده و متولی کارهای او بشود.

سپس آن زن مرد همان طور که اوّل مرده بود

جلوه های اعجاز معصومین علیهم السلام (ترجمه الخرائج و الجرائح)

زنده شدن مرده با دعای امام حسین (ع) ص : ۱۹۶

قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله - محرمی، غلام حسن، جلوه های اعجاز معصومین علیهم السلام (ترجمه الخرائج و الجرائح)، ۱ جلد، دفتر انتشارات اسلامی - ایران؛ قم، چاپ: دوم، ۱۳۷۸ ش.

بارش باران به دعای حضرت

سید مرتضی در کتاب عیون المعجزات از امام جعفر صادق روایت میکند که فرمود: اهل کوفه بحضور حضرت امیر آمدند و از نیامدن باران به آن بزرگوار شکایت کردند و گفتند: از خدا برای ما باران بخواه! حضرت امیر به امام حسین فرمود: برخیز از خدا برای ایشان باران بخواه! امام حسین علیه السّلام برخاست و پس از اینکه حمد و ثنای خدای را بجای آورد و درود بر پیغمبر خدا فرستاد این دعا را خواند:

ص: ۲۶

اللهم معطی الخیرات، و منزل البرکات، ارسل السماء علینا مدراراً، و اسقنا غیثاً مغزاراً، و اسعاً، غدقاً، مجللاً، سحاً، سفوحاً، فجاجاً، تنفس به الضعف من عبادک، و تحیی به المیت من بلادک، آمین رب العالمین

! هنوز آن حضرت از دعا فراغت حاصل نکرده بود که فوراً باران رحمت حضرت پروردگار فرو ریخت و اعرابی از نواحی کوفه آمد و گفت: نهرها و جویبارها را دیدم که از آب موج میزدند!

زندگانی حضرت امام حسن (ع)، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۱۹۷

خارج کردن انگور و موز از دیوار

روزی شاهزاده علی اکبر (علیه السلام) از پدر بزرگوارش انگور طلب کرد. ناگاه امام حسین (علیه السلام) با دست به کناره دیوار مسجد زد که انگور و موزی از آن خارج شد. پس فرزند خود را از آن خورانیده و فرمود: «ما عندالله لاولیائه اکثر؛ از آنچه نزد خدای تعالی است به اولیائش بیشتر می رسد.» از «زفیر بن یحیی» و او از «کثیر بن شاذان» گزارش کرده که گفت: «خودم شاهد بودم که علی اکبر در غیر فصل مناسب، از

مدینه معجز الأئمه الإثنی عشر، ج ۳، ص: ۴۵۲

اخبار از غیب

از امام همام ابی عبد الله جعفر بن محمد الصادق - علیه السلام - که روزی جمعی از ملازمان حضرت امام حسین - علیه السلام - قصد مسافرت داشتند، آن حضرت ایشان را از سفر کردن در آن روز منع نمود و فرمود که شما را در فلان روز سفر باید کرد. ایشان از روی تعجیل قبل از آن روز سفر کردند؛ در راه دزدان بر ایشان زده اموال ایشان را بردند و چهار کس از ایشان را کشتند و باقی مجروح بازگشتند. بعد از آن روزی آن حضرت به مجلس والی مدینه رفت. والی کمال توقیر و تعظیم آن سرور به جای آورده گفت: یا بن رسول الله! شنیدم که بعضی از ملازمان شما را مقتول ساخته اند، اگر بر آن دزدان دست می یافتم همه را به قتل می رسانیدم. حضرت امام حسین - علیه السلام - فرمود: اگر خواهی تو را از حال ایشان خبر دهم. آنگاه اشارت کرد [به] شخصی که در پیش والی ایستاده بود، و گفت: این مرد جمیع آنچه واقع شده می داند. آن مرد مضطرب شده گفت: تو را از کجا معلوم شد؟ آن حضرت فرمود: اگر خواهی علامات آن معرکه را بتمامی باز نمایم. پس شاهزاده فرمود: وقتی که از مدینه بیرون رفتی فلان و فلان با تو همراه بودند؛ و جمیع علامات و حالات ایشان را باز نمود و گفت چهار کس از غلامان مدینه اند و باقی از اوباش. آن مرد تصدیق کرده تعجب نمود. پس والی آن جماعت را گرفته پرسید؛ همه اقرار کردند. پس به قتل ایشان فرمان داد.

ص: ۲۷

شفای مریض

در کتاب مناقب از امام جعفر صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود:

یکوقت امام حسین علیه السلام برای عیادت مردی که دچار تب شدیدی شده بود رفت.

وقتی آن حضرت وارد خانه آن مرد شد تب او قطع گردید. وی به امام حسین گفت:

حقا که من راضی شدم به آن مقامی که بشما عطا شده. تب از شما فرار میکند.

امام حسین فرمود: بخدا قسم خدا چیزی را نیافریده مگر اینکه آن را بفرمان برداری ما مأمور نموده است، هر گاه ما صوت را

بشنویم و شخص را نبینیم میگوید: لیبک. آنگاه (به تب خطاب) فرمود: آیا نه چنین است که امیر المؤمنین بتو فرمود: دچار احدی نشوی جز کافر و شخص گنهکار که کفاره گناهان وی باشی؟ گناه این شخص چیست؟! آن مریض، عبد الله بن شداد بن هاد لیشی بود. زندگانی حضرت امام حسن (ع)، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۱۹۳

اختیارات امامان پیش از حضرت سلیمان است

اصبغ بن نباته (بضم نون) میگوید: به امام حسین علیه السلام گفتم: ای آقای من! من راجع به یک موضوعی از تو جویا میشوم که به آن یقین دارم و آن از اسرار خدا است و تو از آن آگاهی. فرمود: ای اصبغ! منظور تو این است که از آن گفتگوئی که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله نزد مسجد قبا با پدرم کرد آگاه شوی گفت: آری. فرمود: برخیز! وقتی برخاستم ناگاه دیدم با آن حضرت در کوفه هستم و مسجد را مشاهده نمودم امام حسین علیه السلام پس از اینکه لبخندی بصورت من زد فرمود: ای اصبغ! خدا باد را در اختیار حضرت سلیمان پیغمبر قرار داد که صبحگاه بقدر یک ماه و شبانگاه هم بقدر یک ماه راه طی میکرد. بمن بیشتر از آن که به سلیمان داده شده بود عطا شده. گفتم: یا بن رسول الله! راست میگوئی.

ص: ۲۸

امام حسین علیه السلام فرمود: مائیم که علم و بیان قرآن نزد ما است، آنچه که نزد ما میباشد نزد احدی از خلق نیست. چون که ما اهل بیت اهلیت اسرار خدا را داریم. سپس بصورت من خندید و فرمود: ما آل الله و وارثهای رسول او می باشیم گفتم: خدای را سپاس گزارم، آنگاه بمن فرمود: داخل مسجد شو! وقتی داخل شدم دیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم رداء خود را جمع کرده و در میان محراب نشسته.

زندگانی حضرت امام حسن (ع)، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۱۹۵

خبر از آینده

پیشگویی امام حسین (ع) در باره شهادت یارانش

(۱) ۵- امام سجاد- علیه السلام- می فرماید: شب عاشورا امام حسین- علیه السلام- ایستاد و رو به یارانش نمود و فرمود: اینها قصد کشتن مرا دارند نه شما را. اگر مرا بکشند با شما کاری ندارند. پس شما آزادید که بروید و خودتان را نجات بدهید؛ چون اگر بمانید فردا همگی کشته خواهید شد.

اصحاب عرضه داشتند: ما تو را تنها نمی گذاریم و زندگی بعد از تو ارزشی ندارد. حضرت فرمود: همه شما به شهادت می رسید و یک نفر هم باقی نمی ماند. و همان گونه شد که امام فرموده بود «۲».

سخاوت سرشار

بخشندگی از جود و سخای آن حضرت روایت شده که مرد عربی به مدینه آمد و پرسید که: کریم ترین مردم کیست؟

گفتند: حسین بن علی علیه السلام، پس به جستجوی آن حضرت شد تا داخل مسجدش دید که آن حضرت در نماز ایستاده، پس شعری «۱» چند در مدح و سخاوت آن حضرت خواند.

چون حضرت از نماز فارغ شد، فرمود که: ای قنبر! آیا از مال حجاز چیزی به جا مانده است؟

ص: ۲۹

عرض کرد: بلی چهار هزار دینار.

فرمود: حاضر کن که مردی که احقّ است از ما به تصرّف در آن حاضر گشته، پس به خانه رفت و ردای خود را که از برد بود از تن بیرون کرد و آن دنانیر را در برد پیچید و پشت در ایستاد و از شرم روی اعرابی از قَلت زر از شکاف در دست خود را بیرون کرد و آن زر را به اعرابی عطا فرمود و شعری «۲» چند در عذر خواهی از اعرابی خواند. اعرابی آن زر را برگرفت و سخت بگریست.

حضرت فرمود: ای اعرابی! گویا کم شمردی عطای ما را که می گویی؟

عرض کرد: بر این می گریم که دست با این جود و سخا چگونه در میان خاک خواهد شد.

و مثل این حکایت را از حضرت امام حسن علیه السلام نیز روایت کرده اند.

(۱) (اشعار اعرابی)

لم یخب الان من رجاك و من حرّك من دون بابك الحلقة

انت جواد و انت معتمد ابوك قد كان قاتل الفسقه

لو لا الذی كان من اوائلكم كانت علينا الجحیم منطبقه

(۲) اشعار حضرت امام حسین - علیه آلاف التحیه و الثناء -:

خذها فانی الیک معتذر و اعلم بانّی علیک ذو شفقه

لو كان فی سیرنا الغداه عصا امست سمانا علیک مندققه

لکنّ ریب الزّمان ذو غیر و الکفّ منّی قلیله التّفقه

منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل علیهم السلام (فارسی)، ج ۲، ص: ۶۷۰

نقل از کتاب دیگر: پیغمبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ بِه كَعْب بن زهير عطائي کرد و راجع به عباس بن مرداس فرمود: زبان او را از طرف من قطع کنید! (یعنی چیزی به او ببخشید که زبان خود را نگاه دارد) اعرابی وارد مدینه طیبه شد و از کریمترین مردم جويا شد. امام حسین علیه السلام را به وی معرفی کردند. او داخل مسجد شد و دید که امام حسین مشغول نماز است.

ص: ۳۰

مقابل آن حضرت ایستاد و این اشعار را سرود:

لم یخب الان من رجاك و من حرک من دون بابك الحلقة

انت جواد و انت معتمد ابوك قد كان قاتل الفسقه

لولا- الذی کان من اوائلكم کانت علينا الجحيم منطبقه ۱- یعنی کسی که الان چشم امید بتو دارد و حلقه درب خانه تو را حرکت دهد ناامید نخواهد شد. ۲- تویی که بخشنده و مورد اعتماد میباشی. پدر تو قاتل افراد فاسق و نابکار بود. ۳- اگر مقام نبوت پدران و نیاکان شما نمیبود آتش دوزخ دچار ما میشد.

راوی میگوید: امام حسین علیه السلام سلام کرد و بقنبر فرمود: آیا چیزی از مال حجاز باقی مانده؟ گفت: آری، مبلغ چهار هزار اشرفی باقی میباشد. فرمود:

آنها را بیاور! زیرا کسی که از ما بیشتر به آنها احتیاج دارد آمده است.

سپس آن معدن جود و سخا برد را (بضم باء یکنوع لباسی است که از یمن می آوردند) از تن خویشتن خارج کرد و آن اشرفی ها را در میان آن پیچید و آن را بعلت اینکه بنظر مبارکش اندک بود و بدین جهت که از اعرابی خجل میشد از شکاف در به آن اعرابی عطا کرد و این اشعار را خواند: خذها فانی الیک معتذر و اعلم بانی علیک ذو شفقه

لو كان فی سیرنا الغداه عصا امست سمانا علیک مندققه

لکن ریب الزمان ذو غیر و لکف منی قلیله النفقہ

۱- یعنی این اشرفی ها را بگیر و من بعلت اینکه بتو مختصری عطا کردم پوزش می طلبم. بدان که من نسبت بتو شفقت و مهربانی دارم.

۲- اگر حق ما را بما میدادند باران بذل و بخشش از آسمان ها بر تو فرو میریخت.

ص: ۳۱

۳- ولی چه باید کرد که حوادث روزگار وضع انسان را تغییر میدهند و دست من فعلا خالی از پول میباشد.

راوی میگوید: اعرابی آن اشرفی ها را گرفت و شروع به گریه کرد! امام حسین به وی فرمود: آیا برای اینکه بخشش ما قلیل و اندک بود گریه میکنی؟

گفت: نه. بلکه برای این گریه میکنم که چگونه خاک تو را می رباید و این گونه بذل و بخششهایت را از بین میبرد.

زندگانی حضرت امام حسن (ع)، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۲۰۰

آگاهی به زبان حیوانات

معنای اصوات حیوانات

در ایام کودکی از امام حسین - علیه السلام - در باره صدای حیوانات سؤال کردند؛ چون از شرائط امامت این است که عالم به زبان تمام حیوانات باشد. امام - علیه السلام - در پاسخ آنان - که حیوانات هنگامی که صدا می کنند چه می گویند - فرمود:

- کرکس می گوید: ای فرزند آدم! هر گونه که می خواهی زندگی کن ولی بدان که عاقبت مرگ است.

- باز می گوید: ای عالم به خفیات و ای رفع کننده بلاها! - طاوس می گوید: خدایا! به خود ظلم کردم و به زینتم مغرور شدم، پس مرا ببخش.

- خارپشت می گوید: خداوند بر عرش خود قرار گرفته است.

- خروس می گوید: هر کس خدا را شناخت او را فراموش نمی کند.

- مرغ می گوید: ای خدایی که بر حقی، تو بر حقی و سخن تو حق است.

یا الله! یا حق! - قرقی می گوید: به خدا و روز قیامت، ایمان دارم.

- لاشخور می گوید: به خدا توکل کن که او روزی می دهد.

- عقاب می گوید: هر کس از خدا اطاعت کند، سختی نمی بیند.

- شاهین می گوید: خداوند، پاک، منزّه و حقّ است چه حقّی! - جغد می گوید: انس در دوری نمودن از مردم است.

ص: ۳۲

- کلاغ می گوید: ای روزی دهنده! روزی حلال برسان.

دُرنا می گوید: خدایا! مرا از شرّ دشمنانم حفظ کن.

- لك لك مي گوید: هر كس از مردم فاصله بگیرد، راحت تر است.

- اردك مي گوید: آمرزش تو را خواهانم ای خدا!- هدهد مي گوید: چقدر شقی و بدبخت است کسی که گناه مي کند.

- قمری مي گوید: ای دانای به اسرار و پنهانها، ای خدا!- کبوتر مي گوید: تویی خدا و غیر از تو خدایی نیست.

- زاغ مي گوید: منزّه است کسی که بر او چیزی مخفی نیست.

- طوطی مي گوید: یاد خدا باعث مغفرت گناهان است.

- گنجشک مي گوید: طلب آمرزش مي کنم از گناهانی که خدا را به خشم آورد.

- بلبل مي گوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا».

- کبک مي گوید: قیامت نزدیک است.

- بلدرچین مي گوید: ای فرزند آدم! چه چیز تو را از مرگ غافل کرده است.

- مرغ شکاری مي گوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ آله خيره الله».

- قمری مي گوید: «یا واحد یا احد یا فرد یا صمد».

- دارکوب مي گوید: خدای من! مرا از آتش نجات بده.

- چکاوک مي گوید: خدایا! گناهان مؤمنین را ببخش.

- کبوتر صحرائی مي گوید: خدایا! اگر مرا نبخشی، بدبخت مي شوم.

- مرغ عشق مي گوید: «لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ [العلی] العظیم».

- شتر مرغ مي گوید: معبودی به غیر از خدا نیست.

- پرستو هنگام صدا کردن، سوره حمد را مي خواند و مي گوید: ای قبول کننده توبه کنندگان! ای خدا! حمد و ثنا برای توست.

- زرافه مي گوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وحده».

- میش مي گوید: مرگ بهترین پند دهنده است.

جلوه های اعجاز معصومین علیهم السلام، ص: ۱۹۹

- بزغاله می گوید: (خدایا!) مرگم را برسان تا گناهانم کم باشد.

ص: ۳۳

وقتی که شیر غرش می کند؛ یعنی امر خداوند مهم است مهم.

- گاو نر می گوید: ای فرزند آدم! صبر کن. تو در مقابل کسی هستی که تو را می بیند و دیده نمی شود و آن خداست.

- فیل می گوید: از مرگ، گریزی نیست.

- یوز پلنگ می گوید: «یا عزیز یا جبار یا متکبر یا الله!».

- شتر می گوید: منزّه است خدایی که خوارکننده ستمکاران است.

- اسب می گوید: سبحان ربنا سبحانه! - گرگ می گوید: کسی را که خدا حفظ کند، هرگز ضایع نمی گردد.

- شغال می گوید: وای! وای! وای! بر گناهکاری که در گناه کردن، اصرار می نماید.

- سگ می گوید: گناهان، باعث خواری است.

- خرگوش می گوید: خدایا! مرا هلاک نکن و حمد و ستایش برای توست.

- روباه می گوید: دنیا خانه غرور است.

- غزال می گوید: خدایا! مرا از آزار و اذیت نجات بده.

- کرکدن می گوید: (خدایا) به فریادم برس و الا هلاک می گردم.

- گوزن می گوید: خداوند مرا کفایت می کند و بهترین وکیل است.

- پلنگ می گوید: پاک و منزّه است خدایی که با قدرت، عزیز شده است.

- مار می گوید: ای خدا! چقدر شقی و بدبخت است کسی که تو را معصیت می کند.

- عقرب می گوید: بدی، چیز وحشتناکی است.

سپس امام- علیه السلام- فرمود: تمام مخلوقات خداوند او را تسبیح می کنند. بعد امام این آیه را تلاوت فرمود:

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ

«همه مخلوقات، خدا را تسبیح می کنند ولی شما تسبیح آنان را درک نمی کنید» (۱).

جلوه های اعجاز معصومین علیهم السلام ؛ ص ۱۹۷

قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله - محرمی، غلام حسن، جلوه های اعجاز معصومین علیهم السلام (ترجمه الخرائج و الجرائج)، ۱جلد، دفتر انتشارات اسلامی - ایران ؛ قم، چاپ: دوم، ۱۳۷۸ ش.

ص: ۳۴

مکارم اخلاق

عطوفت و مهربانی

عطوفت و مهربانی منقول است از عصام بن المصطلق شامی که گفت: داخل شدم در مدینه معظمه، پس چون دیدم حسین بن علی علیهما السلام را پس تعجب آورد مرا روش نیکو و منظر پاکیزه او، پس حسد مرا واداشت که ظاهر کنم آن بغض و عداوتی را که در سینه داشتم از پدر او، پس نزدیک او شدم و گفتم: تویی پسر ابو تراب؟

(مؤلف گوید که: اهل شام از امیر المؤمنین علیه السلام به ابو تراب تعبیر می کردند و گمان می کردند که تنقیص آن جناب می کنند به این لفظ و حال آن که هر وقت ابو تراب می گفتند گویا حلی و حلل به آن حضرت می پوشانیدند).

بالجمله عصام گفت: گفتم به امام حسین علیه السلام تویی پسر ابو تراب؟

فرمود: بلی.

«قال: فبالغت فی شتمه و شتم أبيه»، یعنی: هر چه توانستم دشنام و ناسزا به آن حضرت گفتم.

«فَنظَرَ إِلَيَّ نَظْرَهُ عَاطِفٍ رَءُوفٍ.»

پس نظری از روی عطوفت و مهربانی بر من کرد و فرمود:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ*، خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (الآیات الی قوله) ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ. (۱)

و این آیات اشارت است به مکارم اخلاق که حق تعالی پیغمبرش را به آن تأدیب فرموده از جمله آن که به میسور از اخلاق مردم اکتفا کند و متوقع زیاده تر نباشد، و بد را به بدی مکافات ندهد، و از نادانان رو بگرداند و در مقام وسوسه شیطان پناه به خدا گیرد.

«ثم قال: خَفَضَ عَلَيْكَ اسْتَغْفِرُ اللَّهُ لِي وَ لَكَ.»

ص: ۳۵

پس فرمود به من آهسته کن و سبک و آسان کن کار را بر خود، طلب آمرزش کن از خدا برای من و برای خودت، همانا اگر طلب یاری کنی از ما تو را یاری کنم، و اگر عطا طلب کنی تو را عطا کنم، و اگر طلب ارشاد کنی تو را ارشاد کنم.

عصام گفت: من از گفته و تقصیر خود پشیمان شدم و آن حضرت به فراست یافت پشیمانی مرا، فرمود:

لَا تَثْرِيْبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ، يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. «۲»

و این آیه شریفه از زبان حضرت یوسف پیغمبر است به برادران خود که در مقام عفو از آن ها فرمود که عتاب و ملامتی نیست بر شما، بیامرزد خداوند شماها را و اوست ارحم الراحمین.

پس آن جناب فرمود به من که از اهل شامی تو؟

گفتم: بلی.

فرمود: شنشنه اعرفاها من اخزم. و این مثلی است که حضرت به آن تمثیل جست.

حاصل این که این دشنام و ناسزا گفتن به ما، عادت و خوبی است در اهل شام که معاویه در میان آن ها سنت کرده، پس فرمود:

«حَيَّاَنَا اللَّهُ وَ اِيَّاكَ» هر حاجتی که داری به نحو انبساط و گشاده رویی حاجت خود را از ما بخواه که می یابی مرا در نزد افضل ظن خود به من. ان شاء الله تعالی.

عصام گفت: از این اخلاق شریفه آن حضرت در مقابل آن جسارتها و دشنامها که از من سرزد و چنان زمین بر من تنگ شد که دوست داشتم به زمین فرو بروم، لا جرم از نزد آن حضرت آهسته بیرون شدم در حالی که پناه به مردم می بردم به نحوی که آن جناب ملتفت من نشود، لکن بعد از آن مجلس نبود نزد من شخصی دوست تر از آن حضرت و از پدرش.

ص: ۳۶

(۱) سوره اعراف، آیه ۱۹۹ تا ۲۰۲

(۲) سوره یوسف، آیه ۹۲

منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الال علیهم السلام (فارسی)، ج ۲، ص: ۶۷۲

هم سفره شدن با فقرا در تفسیر عیاشی از مسعده روایت میکند که گفت: امام حسین علیه السلام به گروهی از فقراء عبور کرد که عباى خود را گسترده بودند و چند پاره ای نان روی آن ریخته و مشغول خوردن بودند. آنان به امام حسین گفتند: یا بن رسول الله! بیا (با ما غذا بخور) امام علیه السلام نشست و با ایشان مشغول غذا خوردن شد و این آیه را تلاوت کرد: إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ یعنی خدا افراد متکبر را دوست ندارد. سپس بفقراء فرمود: من دعوت شما را پذیرفتم، شما هم دعوت مرا اجابت نمائید! گفتند: اطاعت میکنیم یا بن رسول الله. آنگاه برخاستند و با آن حضرت وارد منزل امام حسین شدند. آن بزرگوار به کنیزك خود فرمود: آنچه را که ذخیره نموده ای بیاور!

زندگانی حضرت امام حسن(ع)، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۲۰۰

عیادت از بیمار و ادای قرض

عیادت از بیمار و ادای قرض در کتاب مناقب از عمرو بن دینار روایت میکنند که گفت: امام حسین علیه السلام نزد اسامه بن زید که مریض بود رفت، شنید که اسامه میگفت: وا غماه! امام حسین فرمود: ای پسر برادرم! غم و اندوه تو چیست؟ گفت: قرض من میباشد که به شصت هزار درهم رسیده. امام حسین علیه السلام فرمود: قرض تو را من ادا میکنم اسامه گفت: میترسم بمیرم. فرمود: تو نخواهی مرد تا من قرض تو را ادا نمایم.

ص: ۳۷

راوی میگوید: امام حسین قبل از فوت اسامه قرض وی را ادا کرد.

امام حسین علیه السلام میفرمود: بدترین خصمال پادشاهان ترس از دشمنان و قساوت قلب داشتن نسبت به ضعفاء و بخل ورزیدن در موقع بخشش است.

در کتاب انس المجالس مینگارد: هنگامی که مروان فرزدق را از مدینه خارج نمود و او نزد امام حسین آمد امام حسین مبلغ چهار صد اشرفی به وی عطا کرد. به آن حضرت گفته شد: فرزدق شاعری است که مردم را هجو میکند! فرمود: بهترین ثروت انسان آن است که عرض و آبروی خود را بوسیله آن حفظ نماید.

زندگانی حضرت امام حسن(ع)، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۲۰۰

احسان به اندازه دانش و معرفت

از مقتل خوارزمی و جامع الأخبار روایت شده است که مردی اعرابی به خدمت امام حسین علیه السلام آمد و گفت: یا بن رسول الله! ضامن شده ام ادای دیت کامله را و ادای آن را قادر نیستم، لاجرم با خود گفتم که باید سؤال کرد از کریم ترین مردم، و کسی کریم تر از اهل بیت رسالت - صلوات الله عليهم اجمعین - گمان ندارم.

حضرت فرمود: یا ابا العرب، من سه مسأله از تو می پرسم اگر یکی را جواب گفتی ثلث آن مال را به تو عطا می کنم، و اگر دو سؤال را جواب دادی دو ثلث مال خواهی گرفت، و اگر هر سه را جواب گفتی تمام آن مال را عطا خواهم کرد.

اعرابی گفت: یا بن رسول الله! چگونه روا باشد که مثل تو کسی که از اهل علم و شرفی از این فدوی که یک عرب بدوی بیش نیستم سؤال کند؟

حضرت فرمود که: از جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم شنیدم که فرمود: «المعروف بقدر المعرفه». باب معروف و موهبت به اندازه معرفت بروی مردم گشاده باید داشت.

ص: ۳۸

اعرابی عرض کرد: هر چه خواهی سؤال کن، اگر دانم جواب گویم و اگر نه از حضرت شما فرا می گیریم، و لا قوه الا بالله.

حضرت فرمود که: افضل اعمال چیست؟

گفت: ایمان به خداوند تعالی.

فرمود: چه چیز مردم را از مهالک نجات می دهد؟

عرض کرد: توکل و اعتماد بر حقّ تعالی.

فرمود: زینت آدمی در چه چیز است؟

اعرابی گفت: علمی که با آن حلم باشد.

فرمود که: اگر به دین شرف دست نیابد؟

عرض کرد: مالی که با مروّت و جوانمردی باشد.

فرمود که: اگر این را نداشته باشد؟

گفت: فقر و پریشانی که با آن صبر و شکیبایی باشد.

فرمود: اگر این را نداشته باشد؟

اعرابی گفت که: صاعقه ای از آسمان فرود بیاید و او را بسوزاند که او اهلیت غیر این ندارد.

پس حضرت خندید و کیسه ای که هزار دینار زر سرخ داشت نزد او افکند و انگشتی عطا کرد او را که نگین آن دویست

درهم قیمت داشت و فرمود که: به این زرها ذمه خود را بری کن و این خاتم را در نفقه خود صرف کن.

اعرابی آن زرها را برداشت و این آیه مبارکه را تلاوت کرد:

اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ.

و ابن شهر آشوب روایت کرده که: چون امام حسین علیه السلام شهید شد بر پشت مبارک آن حضرت پینه ها دیدند، از حضرت امام زین العابدین علیه السلام پرسیدند که این چه اثر است؟ فرمود: از بس که انبانهای طعام و دیگر اشیاء چندان بر پشت مبارک کشید و به خانه زنهای بیوه و کودکان یتیم و فقراء و مساکین رسانید این پینه ها پدید گشت.

ص: ۳۹

منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل علیهم السلام (فارسی)، ج ۲، ص: ۶۷۴

کرامات پس از شهادت حضرت

أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ

نیز شنیده شد که میفرمود:

أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ إِلَى آخِرِهِ. زید بن ارقم میگفت: یا ابن رسول الله! تعجب سر بریده تو از همه بیشتر است. زندگانی حضرت امام حسین (ع)، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۲۸۲

و سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا...

در روایت دیگری مینگارد: هنگامی که سر مقدس امام حسین را بر فراز درخت زدند شنیدند که میفرمود: وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا إِلَى آخِرِهِ نِزْدَ دِمَشْقَ صَوْتِ أَنْ حَضَرَ رَأْسَهُمْ مِثْلَ صَوْتِ مَنْ يَدْعُوهُمُ إِلَى الْإِيمَانِ. زندگانی حضرت امام حسین (ع)، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۲۸۲

لا قوه الا بالله

زندگانی حضرت امام حسین (ع)، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۲۸۲

إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ

ابو مخنف از شعبی نقل میکند که گفت: هنگامی که سر مبارک امام حسین علیه السلام را در کوفه در محل صرافها بدار زدند آن سر مقدس تنحنح کرد و سوره کهف را تلاوت کرد، تا آنجا که میفرماید: إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ

الی آخره. زندگانی حضرت امام حسین (ع)، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۲۸۲

ابو مخنف در روایت دیگری میگوید: موقعی که سر مبارک امام حسین را نزد یزید پلید آوردند یک بوی خوشی از آن سر مقدس استشمام می شد که از هر بوئی بهتر بود. وقتی آن شتری که سر امام به پشت آن حمل میشد نحر گردید گوشت آن از صبر (عصاره یکنوع گیاهی است) تلخ تر بود. زندگانی حضرت امام حسین (ع)، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۲۸۲

کوری در اثر حضور در لشکر دشمنان

روایت ۱ در کتاب: مناقب (همان روایتی را نقل میکنند که در اوایل بخش - ۳۹ - گذشت و این شعر را مینگارند: (أ ترجو امه قتلت حسینا الی آخره) مؤلف گوید: سید بن طاوس و ابن شهر آشوب از عبد الله بن رباح قاضی نقل میکنند که گفت: من شخص کوری را دیدم که در موقع قتل امام حسین حضور داشته بود. وقتی از علت کور شدن وی جویا شدند گفت: من دهمین نفری بودم که در وقت قتل حسین حضور داشتم. ولی من نیزه ای بکار نبردم و شمشیری نردم و تیری نینداختم.

ص: ۴۰

زندگانی حضرت امام حسین (ع)، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۲۸۲ روایت ۲ هنگامی که امام حسین شهید شد من بسوی خانه خود مراجعت نمودم و پس از اینکه نماز عشاء را خواندم خوابیدم، در عالم خواب شخصی نزد من آمد و گفت:

پیغمبر خدا را اجابت کن! گفتم: من کاری با پیامبر خدا ندارم! او یقه مرا گرفت و بطرف آن حضرت کشانید.

ناگاه دیدم پیامبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله در میان صحرا نشسته و آستین های خود را بالا زده و حربه ای بدست گرفته و ملکی در حضور آن حضرت ایستاده است که شمشیری از آتش بدست دارد و آن نه نفر یاران مرا میکشد. هر ضربتی که میزد آتشی بجان آنان می افروخت من نزدیک پیامبر خدا رفتم و بر روی دو زانوی خود نشستم و گفتم:

السلام علیک یا رسول الله پیغمبر اعظم اسلام جواب مرا نفرمود. پس از اینکه مدتی طولانی مکث کرد سر مقدس خود را بلند نمود و بمن فرمود: ای دشمن خدا! تو نسبت بمن هتک حرمت کردی، عترت مرا بقتل رساندی، حق مرا مراعات نکردی، هر عملی که خواستی انجام دادی! گفتم: یا رسول الله! من شمشیری نرده ام، نیزه ای بکار نبرده ام، تیری نینداخته ام. فرمود: راست میگوئی، ولی آیا نه چنین است که بر سیاهی لشکر دشمن ما افزوده ای. نزدیک من بیا! وقتی نزدیک آن بزرگوار رفتم دیدم یک طشت پر از خون در جلو آن حضرت بود. رسول اعظم صلی الله علیه و آله بمن فرمود: این خون فرزندم حسین است. پیغمبر خدا از آن خون بچشم من کشید. از هنگامی که بیدار شدم تاکنون چیزی را نمی بینم.

ص: ۴۱

زندگانی حضرت امام حسین (ع)، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۲۸۲

وقایع بعد از شهادت آفتاب تا سه هفته گرفت. هیچ سنگی در زمین نبود مگر اینکه زیر آن خون یافت میشد جنیان تا یک سال روی قبر پیامبر خدا برای امام حسین علیه السلام نوحه و گریه و زاری میکردند.

زندگانی حضرت امام حسین(ع)، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۲۸۲

نضره ازدیه گوید: هنگامی که حسین علیه السلام شهید شدند آسمان خون بارید و ما در صبح تمام اشیاء را خون آلود مشاهده کردیم.

ترجمه إعلام الوری، متن، ص: ۳۱۴ ابو بکر بیهقی راز معروف روایت کرده که ولید بن عبد الملک از زهری پرسید سنگ های بیت المقدس در روز کشته شدن حسین بن علی چه حالتی به خود گرفتند، زهری گفت: به من خبر دادند که در روز شهادت حسین بن علی هر سنگی را که از زمین بر میداشتند در زیر او خون تازه میدیدند.

ترجمه إعلام الوری، متن، ص: ۳۱۴ جمیل بن مره گوید: شتری از لشکرگاه حسین بن علی را در روز شهادت او غارت گرفتند، و سپس او را نحر کردند و طبخ نمودند، راوی گوید: گوشت او مانند ریگ شد و آنان نتوانستند از آن گوشت استفاده کنند.

ترجمه إعلام الوری، متن، ص: ۳۱۴

نتیجه ظلم ابن زیاد

نتیجه ظلم ابن زیاد در کتاب: ابن بطه و ترمذی و خصائص و نظری از عماره بن عمیر نقل میکنند که گفت: وقتی سر ابن زیاد ملعون و سر اصحابش را نزد مسجد آوردند و من

نزد آن سرها رفتم میشنیدم مردم میگفتند: آمد! آمد! ناگاه دیدم ماری آمد و در میان آن سرها گردش کرد و داخل سوراخ بینی ابن زیاد شد و از سوراخ دیگر بینی وی خارج گردید. سپس آنان گفتند: آمد! آمد! آن مار این عمل را سه مرتبه انجام داد.

ص: ۴۲

زندگانی حضرت امام حسین(ع)، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۲۸۲

فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام

اجر و ثواب آنچه شخص در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام انفاق می کند

حدیث اول: محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبد الله بن حماد البصری، از عبد الله بن عبد الرحمن اصم نقل کرده که وی گفت: حدیث گفت برای ما معاذ، از ابان، وی گفت:

از او شنیدم که می گفت: حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام رود محققا به رسول خدا و به ما اهل بیت احسان نموده و غیبتش جایز نبوده و گوشتش بر آتش حرام است و در مقابل هر یک دره می که انفاق کرده خداوند متعال انفاق اهالی و سکنه ده هزار شهرهائی که در کتابش مضبوط و معلوم است را به او اعطاء می فرماید و بدنبال آن حوائج و نیازمندی هایش را روا می فرماید و آنچه را که از خود باقی گذارد حقتعالی حافظ آنها است و در خواست و سؤال چیزی از خدا نمی کند مگر آنکه باری تعالی اجابتش می فرماید اعم از آنکه سریع و بدون مهلت حاجتش را روا کرده یا با تأخیر و مهلت آن را برآورده نماید.

و محمد بن همام بن سهیل رحمه الله علیه، از جعفر بن محمد بن مالک، از محمد بن اسماعیل، از عبد الله بن حماد، از عبد الله بن عبد الرحمن اصم، از معاذ، از ابان برایم مثل همین حدیث را از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل نموده است.

ص: ۴۳

حدیث دوم:

محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبد الله بن حماد البصری، از عبد الله بن عبد الرحمن الاصم، از حسین، از حلبی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام در ضمن حدیث طویلی نقل کرده، وی گفت:

محضر مبارک امام علیه السلام عرضه داشتم: فدایت شوم چه می فرمائید در باره کسی که با داشتن قدرت، زیارت آن حضرت را ترک می کند؟

حضرت می فرمایند: می گویم: این شخص عاق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و عاق ما اهل بیت می باشد و امری که به نفع او است را سبک شمرده است.

و کسی که آن حضرت را زیارت کند: خداوند متعال حوائجش را برآورده نماید و آنچه از دنیا مقصود او است را کفایت فرماید.

و نیز زیارت آن حضرت موجب جلب رزق برای زائر می باشد.

و آنچه در این راه انفاق کرده بر او باقی مانده و جانشین و یادگارش خواهد بود و همچنین زیارت آن حضرت موجب می شود: گناهان پنجاه ساله او آمرزیده شده و وی به اهلش بازگردد در حالی که بر عهده اش نه وزر و وبالی بوده و نه لغزشی و آنچه از گناه در صحیفه اعمالش ثبت شده جملگی محو و پاک می گردد.

اگر زائر در سفر زیارت فوت شود فرشتگان نازل گشته و او را غسل می دهند و نیز درب هائی از بهشت به روی او گشوده می شود و نسیم خوش آن در قبر بر او وزیده و در قبر پراکنده و منتشر می گردد.

و اگر وی در سفر زیارت سالم و از گزند مرگ در امان ماند دربی به روی او گشوده می شود که رزق و روزی وی از آن نازل می گردد و در مقابل هر دره‌می که انفاق کرده ده هزار درهم قرار داده می شود و آن را برای وی ذخیره کرده و هنگامی که محشور شد و از قبر بیرون آمد به او گفته می شود: در مقابل هر دره‌می که در سفر زیارتت خرج کردی ده هزار درهم مال تو است و خداوند به تو نظر نموده و آنها را نزد خودش برای او ذخیره کرد.

ص: ۴۴

کامل الزیارات / ترجمه ذهنی تهرانی ؛ ؛ ص ۴۱۴-۴۱۷

زیارت امام حسین علیه السلام گناهان را محو می کند

حدیث اول :

محمّد بن الحسن بن الولید، از محمّد بن الحسن الصفار، از حسن بن موسی الخشاب، از برخی رجالش، از حضرت اَبی عبد الله (امام صادق) علیه السلام، حضرت فرمودند:

زائر حسین علیه السلام گناهانش را پلی بر درب خانه اش قرار داده که از آن عبور می کند همان طوری که یکی از شما وقتی از پل عبور نمودید آن را عقب سر می گذارید.

یعنی زیارت سید الشهداء سلام الله علیه سبب می شود که گناهان محو و زائل گردند.

حدیث دوم :

محمّد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن الحسین بن الخطّاب، از محمّد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از بشیر دهّان، از اَبی عبد الله علیه السلام، حضرت در باره کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می رود فرمودند:

وی هنگامی که از اهلش جدا می شود به هر قدمی که برمی دارد گناهانش آمرزیده می شود و سپس پیوسته به هر قدمی تقدیس و تنزیه شده تا به قبر مطهر می رسد وقتی به آنجا رسید خداوند متعال او را خوانده و می فرماید:

بنده من از من سؤال کن تا به تو اعطاء کنم، من را بخوان تا اجابت نمایم، از من طلب نما تا به تو بدهم، حاجتت را از من بخواه تا برآورده نمایم.

راوی گفت: امام علیه السلام فرمودند: و حق است بر خدا که آنچه بذل نموده را اعطاء فرماید.

کامل الزیارات / ترجمه ذهنی تهرانی ؛ ؛ ص ۴۹۸-۴۹۹

دعای امام صادق علیه السلام در حق زائرین امام حسین علیه السلام

از معاویه بن وهب نقل کرده اند که وی گفت:

اذن خواستم که بر امام صادق علیه السلام داخل شوم، به من گفته شد که داخل شو، پس داخل شده آن جناب را در نمازخانه منزلشان یافتم پس نشستم تا حضرت نمازشان را تمام کردند پس شنیدم که با پروردگارشان مناجات نموده و می گفتند:

بار خدایا، ای کسی که ما را اختصاص به کرامت داده و وعده شفاعت دادی و مختص به وصیت نمودی (یعنی ما را وصی پیامبرت قرار دادی) و علم به گذشته و آینده را به ما اعطاء فرمودی، و قلوب مردم را مایل به طرف ما نمودی، من و برادران و زائرین قبر پدرم حسین علیه السلام را بیامرز، آنان که اموالشان را انفاق کرده و ابدانشان را به تعب انداخته به جهت میل و رغبت در احسان به ما و به امید آنچه در نزد تست به خاطر صله و احسان به ما و به منظور ادخال سرور بر پیغمبرت و به جهت اجابت کردنشان فرمان ما را و به قصد وارد نمودن غیظ بر دشمنان ما.

اینان اراده و تبتشان از این ایثار تحصیل رضا و خشنودی تو است پس تو هم از طرف ما این ایثار را جبران کن و بواسطه رضوان احسانشان را جواب گو باش و در شب و روز حافظ و نگاهدارشان بوده و اهل و اولادی که از ایشان باقی مانده اند را بهترین جانشینان قرار بده و مراقب و حافظشان باش و شر و بدی هر ستمگر عنود و منحرفی را از ایشان و از هر مخلوق ضعیف و قوی خود کفایت نما و ایشان را از شر شیاطین انسی و جنی محفوظ فرما و اعطاء کن به ایشان برترین چیزی را که در دور بودنشان از اوطان خویش از تو آرزو کرده اند و نیز به ایشان ببخش برتر و بالاتر از آنچه را که بواسطه اش ما را بر فرزندان و اهل و نزدیکانشان اختیار کردند، بار خدایا دشمنان ما بواسطه خروج بر ایشان آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند ولی این حرکت اعداء ایشان را از تمایل به ما باز نداشت و این ثبات آنان از باب مخالفتشان است با مخالفین ما، پس تو این صورت هائی که حرارت آفتاب آنها را در راه محبت ما تغییر داده مورد ترحم خودت قرار بده و نیز صورت هائی را که روی قبر ابی عبد الله الحسین علیه السلام می گذارند و بر می دارند مشمول لطف و رحمتت قرار بده و همچنین به چشم هائی که از باب ترحم بر ما اشک ریخته اند نظر عنایت فرما و دل هائی که برای ما به جزع آمده و بخاطر ما سوخته اند را ترحم فرما، بار خدایا به فریادهائی که بخاطر ما بلند شده برس، خداوندا من این ابدان و این ارواح را نزد تو امانت قرار داده تا در روز عطش اکبر که بر حوض کوثر وارد می شوند آنها را سیراب نمائی.

و پیوسته امام علیه السلام در سجده این دعاء را می خواندند و هنگامی که از آن فارغ شدند عرض کردم:

فدایت شوم این فقرات و مضامین ادعیه ای که من از شما شنیدم اگر شامل کسی شود که خداوند عزّ و جلّ را نمی شناسد گمانم این است که آتش دوزخ هرگز به آن فائق نیاید!!! به خدا سوگند آرزو دارم آن حضرت (حضرت امام حسین علیه السلام) را زیارت کرده ولی به حج نروم.

امام علیه السلام به من فرمودند:

چقدر تو به قبر آن جناب نزدیک هستی، پس چه چیز تو را از زیارتش باز می دارد؟

سپس فرمودند:

ای معاویه زیارت آن حضرت را ترک مکن.

عرض کردم: فدایت شوم نمی دانستم که امر چنین بوده و اجر و ثواب آن این مقدار است.

حضرت فرمودند:

ای معاویه کسانی که برای زائرین امام حسین علیه السلام در آسمان دعاء می کنند به مراتب بیشتر هستند از آنان که در زمین

برای ایشان دعاء و ثناء می نمایند. کامل الزیارات / ترجمه ذهنی تهرانی، ص: ۳۸۱-۳۸۳

اخبار شهادت

خبر دادن خود حضرت

((إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ...

إِنِّي خَفِيفْتُ بِرَأْسِي فَعَنَّ بِي فَارِسٌ وَهُوَ يَقُولُ:

الْقَوْمُ يَسْرُونَ وَالْمَنَايَا تَسْرِي إِلَيْهِمْ فَعَلِمْتُ أَنَّهَا أَنْفُسُنَا نُعِيَتْ إِلَيْنَا ... جَزَاكَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ خَيْرٍ مَا جَزَى وَلَدًا عَنْ وَالِدِهِ))

ترجمه و توضیح :

در منزل ((قصر بن مقاتل)) و در اواخر شب ، امام دستور داد جوانان مشکها را پر از آب کردند و به سوی منزل بعدی حرکت

نمودند، به هنگامی که قافله در حرکت بود صدای امام به گوش رسید که کلمه استرجاع را مکرر بر زبان می راند ((إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا

إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)) حضرت علی اکبر فرزند دلیر و شجاع آن حضرت از انگیزه این استرجاع سؤال نمود.

ص: ۴۷

امام این چنین پاسخ داد: ((إِنِّي خَفِيفْتُ بِرَأْسِي ...؟)) من سرم را به زین اسب گذاشته بودم که خواب خفیفی بر چشمم مسلط

شد، در این موقع صدای هاتفی به گوشم رسید که می گفت : این جمعیت در این هنگام شب در حرکتند مگر ما نیز در تعقیب

آنهاست و برای من معلوم گردید که این ، خبر مرگ ماست)).

حضرت علی اکبر عرضه داشت : ((لَا أَرَاكَ اللَّهُ بِسُوءِ أَعْلَسْنَا عَلَى الْحَقِّ؟)) خدا حادثه بدی پیش نیاورد مگر ما برحق نیستیم؟؟).

امام فرمود: ((بلی به خدا سوگند که ما بجز در راه حق قدم بر نمی داریم)).

علی اکبر عرضه داشت: ((إِذَا لَأَنْبَالِي أَنْ نَمُوتَ مُحَقِّينَ)) اگر بناست در راه حق بمیریم ترسی از مرگ نداریم)).

امام در این هنگام او را دعا نمود و چنین فرمود: ((خداوند برای تو بهترین پاداش فرزندی را عنایت کند)).

خبر دادن پیامبر

۱) در خبر دادن حضرت سید المرسلین و حضرت، امیر المؤمنین به شهادت آن حضرت، و خبر دادن آن حضرت به شهادت خود صلوات الله عليهم

ابن بابویه و شیخ مفید و صفار و غیر ایشان به اسانید معتبره بسیار روایت کرده اند از حضرت امیر المؤمنین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق عليهم السلام و ابن عباس و غیر او که:

حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر که خواهد که به روش زندگانی من زندگانی کند، و به روش مردن من بمیرد و داخل شود در جنّه المأوی که پروردگار من به دست قدرت خود آن را غرس نموده است، پس باید که ولایت علی بن ابی طالب داشته باشد، و با دشمنان او دشمن باشد، و فضل او را بشناسد، و اوصیای بعد از او را امام داند، به درستی که حق تعالی عطا کرده است به ایشان علم و فهم مرا، و ایشان عترت منند، و از گوشت و خون من به هم رسیده اند، و حق تعالی فضل و علم مرا به ایشان روزی کرده است، وای بر آنها که انکار فضل ایشان می کنند از امت من، و به سبب بدی کردن با ایشان قطع می کنند صله مرا

ص: ۴۸

و به روایت دیگر گفت: به خدا شکایت می کنم دشمنان ایشان را از امت من که انکار فضیلت ایشان می نمایند، به خدا سوگند که فرزند من حسین را شهید خواهند کرد بعد از من، خدا ایشان را از شفاعت من محروم گرداند

جلاء العیون، مجلسی، ص: ۵۵۳

۲) ابن عباس گوید: من حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم در حالی که غبار آلود بود و در دستش شیشه ای پر از خون داشت، عرض کردم: پدر و مادرم فدایت گردد این شیشه چیست؟ فرمودند: این خون حسین و یاران اوست که از زمین جمع کرده ام، من آن روز را در نظر گرفتم درست همان روز بود که سید الشهداء علیه السلام به شهادت رسیده بودند.

خبر دادن مولا

ابن بابویه به اسانید معتبره از ابن عباس روایت کرده است که گفت: من با حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بودم در وقتی که متوجه جنگ صفین بود، چون به نینوا رسیدیم که در کنار فرات است، حضرت به آواز بلند مرا ندا کرد که: ای پسر عباس آیا نمی شناسی این موضع را؟ گفتم: نه یا امیر المؤمنین، حضرت فرمود: اگر این موضع را شناسی چنانچه من می شناسم هرآینه

از آن نخواستی گذشت تا گریان شوی چنانچه من گریان شدم، پس حضرت بسیار گریست تا آنکه ریش مبارکش تر شد و آب دیده اش بر سینه اش جاری شد، و من نیز گریان شدم، پس حضرت فرمود: آه آه مرا چه کار است با آل ابو سفیان، مرا چه کار است با آل حرب که لشکرهای شیطان و اولیای کفر و عدوانند.

پس فرمود که: صبر کن ای ابو عبد الله که رسید به پدر تو مثل آنچه به تو خواهد رسید، پس آبی طلبید و وضو ساخت و نماز بسیار کرد، بعد از نماز باز همان سخنان می گفت و می گریست، پس ساعتی از آن حضرت را خواب برد، چون از خواب بیدار شد گفت: ای پسر عباس کجائی؟ گفتم: اینجا حاضریم، فرمود: می خواهی تو را خبر دهم به آنچه در این ساعت در خواب دیدم؟ گفتم: پیوسته دیده تو در استراحت باشد و آنچه بینی برای تو خیر و سعادت باشد، فرمود: دیدم مردانی چند از آسمان به زیر آمده و علمهای سفید در دست داشتند و شمشیرها حمایل کرده بودند، و شمشیرهای ایشان از سفیدی نور می درخشید، و در دور این زمین خطی کشیدند، پس دیدم که شاخه های این درختان سر به زمین آوردند، و خون تازه در این صحرا موج می زد، و حسین فرزند و جگر گوشه خود را دیدم که در آن میان این دریای خون دست و پا می زد و استغاثه می کرد، و کسی به فریاد او نمی رسد، و آن مردان سفید که از آسمان به زیر آمده بودند او را صدا می زدند و می گفتند: صبر کنید ای آل رسول که شما کشته می شوید بر دست بدترین مردم، و اینک بهشت ای ابو عبد الله بسوی تو مشتاق است. پس آن سفیدپوشان به نزد من آمدند، مرا تعزیت فرمودند و گفتند: ای ابو الحسن شاد باش که حق تعالی دیده تو را به او روشن خواهد کرد در روز قیامت، پس بیدار شدم، و سوگند یاد می کنم به آن خداوندی که جان علی در قبضه قدرت اوست که خبر داد مرا راستگوی تصدیق کرده شده حضرت ابو القاسم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که من خواهم دید این زمین را در وقتی که بیرون روم به قتال اهل بغی که بر من طغیان کنند، و این زمین کرب و بلاست که حسین در این زمین مدفون خواهد شد با هفده نفر از فرزندان من و فرزندان فاطمه، و این زمین در آسمان معروف است، و این زمین را کرب و بلا می گویند، چنانچه حرم کعبه و حرم مدینه و بیت المقدس را نام می برند.

ص: ۴۹

جلاء العیون، مجلسی، ص: ۵۵۸

احادیث حضرت

از نشانه های عالم

امام حسین علیه السلام فرمودند:

من دلائل العالم إنتقاده لحديثه و علمه بحقائق فنون النظر.

از نشانه های عالم، نقد سخن و اندیشه خود و آگاهی از نظرات مختلف است.

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۹)

چیزی را بر زبان نیاورید که

امام حسین علیه السلام فرمودند:

لا تقولوا بالستتكم ما ينقص عن قدركم

چیزی را بر زبان نیاورید که از ارزش شما بکاهد

(جلاء العیون، ج ۲ ص ۲۰۵)

حذر کن

امام حسین علیه السلام فرمودند:

یاک و ما تعتذر منه ، فإن المؤمن لا یسیء و لا یعتذر، و المنافق کل یوم یسیء و یعتذر

حذر کن از مواردی که باید عذرخواهی کنی ، زیرا مؤمن نه کار زشتی انجام می دهد و نه به عذرخواهی می پردازد، اما منافق همه روزه بدی می کند، و به عذرخواهی می پردازد.

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۰)

همنشینی با افراد پست

امام حسین علیه السلام فرمودند:

مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدِّنَاءَةِ شَرٌّ، وَ مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْفُسُوقِ رِيْبَةٌ

همنشینی با سفالگان و افراد پست ناپسند است و همدمی گناهکاران موجب بدبینی مردم و از دست دادن اعتماد و اعتبار است

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۲)

من مرگ را جز سعادت نمی بینم

امام حسین علیه السلام فرمودند:

فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا السَّعَادَةَ وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمَأً

به درستی که من مرگ را جز سعادت نمی بینم و زندگی با ستمکاران را جز محنت نمی دانم.

(تحف العقول ، ص ۲۴۵)

بخشنده ترین مردم

امام حسین علیه السلام فرمودند:

إِنَّ أَجْوَدَ النَّاسِ مَنْ أُعْطِيَ مَنْ لَا يَرْجُو.

ص: ۵۰

بخشنده ترین مردم کسی است که به آنکه چشم امید به او نبسته، بخشش کند.

(کشف الغمّه، ج ۲، ص ۳۰)

هر کسی که سه روز از ماه شعبان

امام حسین علیه السلام فرمودند:

مَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ شَعْبَانَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

هر کسی که سه روز از ماه شعبان را روزه بگیرد؛ بهشت بر او واجب می شود و در قیامت نیز پیامبر(ص) شفیع او خواهد بود

(الامالی، ص ۲۳)

جز به یکی از سه نفر حاجت مبر

امام حسین علیه السلام فرمودند:

لَا تَرْفَعِ حَاجَتَكَ إِلَّا إِلَى أَحَدٍ ثَلَاثَةً: إِلَى ذِي دِينَ، أَوْ مُرُوّه أَوْ حَسَبٍ

جز به یکی از سه نفر حاجت مبر: به دیندار، یا صاحب مروت، یا کسی که اصالت خانوادگی داشته باشد.

(تحف العقول، ص ۲۴۷)

سبقت گیرنده اهل بهشت

امام حسین علیه السلام فرمودند:

أَيُّمَا اثْنَيْنِ جَرَى بَيْنَهُمَا كَلَامٌ فَطَلَبَ أَحَدُهُمَا رَضِيَ الْآخَرَ كَانَ سَابِقَهُ إِلَى الْجَنَّةِ

هر یک از دو نفری که میان آنها نزاعی واقع شود و یکی از آن دو رضایت دیگری را بجوید، سبقت گیرنده اهل بهشت خواهد بود.

(کشف الغمه فی معرفه الائمه ج ۲، ص ۳۳)

رستگار نمی شوند

امام حسین علیه السلام فرمودند:

لَا أَفْلَحَ قَوْمٌ اشْتَرَوْا مَرَضَاتِ الْمَخْلُوقِ بِسَخَطِ الْخَالِقِ

رستگار نمی شوند مردمی که خشنودی مخلوق را در مقابل غضب خالق خریدند.

(بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۳)

شیعیان ما

امام حسین علیه السلام فرمودند:

إِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ سَلَمَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ كُلِّ غَشٍّ وَ غِلٍّ وَ دَغَلٍ

بدرستی که شیعیان ما قلبشان از هر ناخالصی و حيله و تزویر پاک است

ص: ۵۱

(التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری علیه السلام ص ۳۰۹)

در قیامت در امان نیست

امام حسین علیه السلام فرمودند:

لَا يَأْمَنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ خَافَ اللَّهَ فِي الدُّنْيَا

کسی در قیامت در امان نیست مگر کسی که در دنیا ترس از خدا در دل داشت

(مناقب ابن شهر آشوب ج ۴ / ص ۶۹) (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲)

عاجزترین مردم

امام حسین علیه السلام فرمودند:

أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ

عاجزترین مردم کسی است که نتواند دعا کند

(بحارالانوار ج ۸۱ ص ۲۵۷) (بحارالانوار ج ۹۰ ص ۲۹۱)

گریه از ترس خدا

امام حسین علیه السلام فرمودند:

الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ نَجَاةٌ مِنَ النَّارِ

گریه از ترس خدا سبب نجات از آتش جهنم است

(جامع الاخبار ص ۹۷)

نافرمانی خداست

امام حسین علیه السلام فرمودند:

مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَ أَفْوَتَ لِمَا يَرْجُو وَأَسْرَعَ لِمَجِيئِ مَا يَحْذَرُ

آن که در کاری که نافرمانی خداست بکوشد امیدش را از دست می دهد و نگرانیها به او رو می آورد.

(الکافی، ج ۲، ص ۳۷۳) (الکافی، ج ۴، ص ۱۱۷)

بخشنده ترین مردم

امام حسین علیه السلام فرمودند:

إِنَّ أَعْفَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عِنْدَ قُدْرَتِهِ

بخشنده ترین مردم کسی است که در هنگام قدرت می بخشد.

(الدره الباهره، ج ۷۱، ص ۴۰۰)

دوست و دشمن تو

امام حسین علیه السلام فرمودند:

مَنْ أَحْبَبَكَ نَهَاكَ وَ مَنْ أَبْغَضَكَ أَغْرَاكَ.

کسی که تو را دوست دارد، از تو انتقاد می کند و کسی که با تو دشمنی دارد، از تو تعریف و تمجید می کند

(نزهه الناظر، ص ۸۸)

منتقم حق اهل بیت

امام حسین علیه السلام می فرمایند:

يُظَهِّرُ اللَّهُ قَائِمَنَا فَيَنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ

ص: ۵۲

خداوند قائم ما را از پس پرده غیبت بیرون می آورد و آن گاه او از ستم گران انتقام می گیرد

(إثبات الهداه، ج ۵، ص ۱۹۶) ۱

گریه از ترس خدا

امام حسین علیه السلام می فرمایند:

الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ نَجَاةٌ مِنَ النَّارِ؛

گریه از ترس خدا سبب نجات از آتش جهنم است.

(جامع الاخبار/ص ۹۷)

من کشته اشکم

امام حسین علیه السلام می فرمایند:

أَنَا قَتِيلٌ الْعَبْرَةَ لَا يَذُكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ

من کشته اشکم ؛ هر مؤمنی مرا یاد کند ، اشکش روان شود

(کامل الزیارات ، ص ۱۰۸)

تذکری در مورد غریق در نعمت

امام حسین علیه السلام می فرمایند:

اللَّهُمَّ لَا تَسْتَدْرِجْنِي بِالْإِحْسَانِ وَلَا تُؤَدِّبْنِي بِالْبَلَاءِ

خدایا! با غرق کردن من در ناز و نعمت، مرا به پرتگاه عذاب خویش مکشان و با بلایا (گرفتاری ها) ادبم مکن

(الدُّرَّةُ الْبَاهِرَةُ مِنَ الْأَصْدَافِ الطَّاهِرَةِ، ص ۲۳)

همنشینی با خردمندان

امام حسین علیه السلام می فرمایند:

مِنْ دَلَائِلِ عِلْمَاتِ الْقَبُولِ: الْجُلُوسُ إِلَى أَهْلِ الْعُقُولِ

از نشانه های خوش نامی و نیک بختی ، همنشینی با خردمندان است.

(بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۱۹)

در خوبی ها با یکدیگر رقابت

امام حسین علیه السلام می فرمایند:

أَيُّهَا النَّاسُ نَافِسُوا فِي الْمَكَارِمِ وَ سَارِعُوا فِي الْمَغَانِمِ وَلَا تَحْتَسِبُوا بِمَعْرُوفٍ لَمْ تَجْعَلُوا

ای مردم در خوبی ها با یکدیگر رقابت کنید و در بهره گرفتن از فرصت ها شتاب نمایید و کار نیکی را که در انجامش شتاب نکرده اید، به حساب نیاورید.

(بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۲۱)

غافلگیر کردن بنده

امام حسین علیه السلام می فرمایند:

أَلَا سِتْدْرَاجٌ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لِعَبْدِهِ أَنْ يُسْبَغَ عَلَيْهِ النَّعْمَ وَيَسْلُبَهُ الشُّكْرَ

ص: ۵۳

غافلگیر کردن بنده از جانب خداوند به این شکل است که به او نعمت فراوان دهد و توفیق شکرگزاری را از او بگیرد.

(تحف العقول، ص ۲۴۶)

کمال عقل

امام حسین علیه السلام می فرمایند:

لَا يُكْمَلُ الْعَقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ الْأَتْرُونَ أَنْ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَالْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ

عقل جز به پیروی از «حق» کمال نمی یابد آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل نهی نمی شود؟

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۷) (اعلام الدین، ص ۲۹۸)

همانا مردمان بنده دنیایند

امام حسین علیه السلام می فرمایند:

ان الناس عبيد الدنيا و الدين لعق على ألسنتهم يحوطونه ما درت معائشهم فإذا محصوا بالبلاء قلّ الديانون

همانا مردمان بنده دنیایند و دین لقلقه زبان آنهاست و هر جا منافعشان [به وسیله دین] بیشتر تأمین شود زبان می چرخانند و چون به بلا آزموده شوند آنگاه دین داران اندکند.

(تحف العقول / ۲۴۵)

بخیل

امام حسین علیه السلام می فرمایند:

الْبَخِيلُ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ؛

بخیل کسی است که از سلام کردن بخل ورزد (سلام نکند).

(تحف العقول / ۲۴۸)

سلام کردن

امام حسین علیه السلام می فرمایند:

لِلسَّلَامِ سَبْعُونَ حَسَنَةً، تِسْعٌ وَ سِتُونَ لِلْمُبْتَدِئِ وَ وَاحِدَةٌ لِلرَّادِ؛

سلام کردن هفتاد حسنه و ثواب دارد شصت و نه ثواب از برای سلام کننده و یک ثواب برای جوابگو است (با وجود آنکه سلام کردن مستحب ولی جواب دادن آن واجب است).

(تحف العقول ص ۲۴۸)

امام حسین علیه السلام می فرمایند:

مَنْ عَبَدَ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِهِ آتَاهُ اللَّهُ فَوْقَ أَمَانِيهِ وَ كَفَايَتِهِ ؛

ص: ۵۴

هر که خدا را، آن گونه که سزاوار اوست، بندگی کند، خداوند بیش از آرزوها و کفایتش به او عطا کند.

(بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۸۴)

خطبه حضرت در روز عاشورا

از حضرت امام سجاد علیه السلام روایت شده است که در روز عاشورا پس از حرکت سپاه دشمن به سوی خیمه ها، امام حسین علیه السلام شتر خود را خواست و بر آن سوار شد و فریاد زد: «ای مردم! سخنان مرا بشنوید و در جنگ شتاب نکنید تا شما را به آنچه حق شما بر من است موعظه کنم و عذر خود را برای شما آشکار سازم. پس اگر انصراف دهید سعادت مند خواهید شد و اگر انصراف ندهید، «خوب بنگرید تا کار شما باعث اندوه شما نگردد. آن گاه درباره من آنچه می خواهید انجام دهید و مهلتم ندهید» (سوره یونس، آیه ۷۱)، «همانا ولی من خدایی است که قرآن را فرو فرستاد و اوست سرپرست و یار مردان شایسته» (سوره اعراف، آیه ۱۹۶)

سپس حمد و ثنای پروردگار را بجا آورد و به آنچه شایسته بود از او یاد کرد و بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و فرشتگانش و پیامبران درود فرستاد و از هیچ سخنوری پیش از آن و پس از آن، سخنی بلیغ تر و رساتر از سخنان امام علیه السلام شنیده نشد. آن گاه فرمود: «اما بعد، پس نسب و نژاد مرا بسنجید و ببینید من کیستم.

آن گاه به خود آید، خویش را سرزنش کنید و بنگرید آیا کشتن من و دریدن پرده حرمت برای شما سزاوار است؟ آیا من پسر دختر پیامبر شما و فرزند جانشین او و پسر عمویش و اولین مؤمنی که پیامبر را تصدیق کرد نیستم؟ آیا حمزه سید الشهداء عمومی من نیست؟ آیا جعفر بن ابیطالب که با دو بال در بهشت پرواز می کند عمومی من نیست؟ آیا نشنیده اید که رسول خدا درباره من و برادرم فرمود: این دو سرور جوانان اهل بهشت هستند؟ اگر سخنان مرا تصدیق می کنید حق همین است.

ص: ۵۵

و به خدا سوگند از روزی که دانسته ام خدا با دروغگوها دشمن است دروغ نگفته ام. و اگر مرا تکذیب می کنید به یقین در میان شما کسانی هستند که اگر از آنان پرسید شما را به آنچه من گفتم آگاهی دهند. از «جابر بن عبدالله انصاری» پرسید. از «ابا سعید خدری» و «سهل بن سعد ساعدی» و «زید بن ارقم» و «انس بن مالک» پرسید تا به شما بگویند که این سخن را از پیامبر درباره من و برادرم شنیده اند.

آیا این گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله از ریختن خون من جلوگیری نمی کند؟

« شمر بن ذی الجوشن » گفت: اگر چنین است که تو می گویی من هرگز خدا را با عقیده راسخ عبادت نکرده باشم؛ (یعنی من نمی دانم چه می گویی.)

« حیب بن مظاهر » به او گفت: به خدا سوگند من معتقدم که تو خدا را با تزلزل و تردید بسیار پرستش می کنی و من گواهی می دهم که تو راست می گویی و نمی دانی که امام چه می گوید! چرا که خداوند بر دل تو مهر غفلت زده است.

امام علیه السلام فرمود: « اگر در این سخن تردید دارید آیا در این نیز تردید دارید که من پسر دختر پیغمبر شما هستم؟ به خدا در میان شرق و مغرب پسر دختر پیامبری جز من نیست؛ چه در میان شما و چه در میان غیر شما وای بر شما! آیا کسی از شما را کشته ام تا خون او را از من بخواهید؟ یا مالی از شما برده ام؟ یا قصاص جراحی از من می خواهید؟ در این هنگام بود که همه آنان خاموش شدند و سخنی نگفتند.

ص: ۵۶

آن گاه امام فریاد زد: « ای « شبت بن ربیع » و ای « حجار بن الجبر » و ای « قیس بن اشعث » و ای « یزید بن حارث » آیا شما به من نوشتید که میوه ها رسیده است و باغها سرسبز شده است و با لشگری آماده برای یاری تو وارد خواهیم شد؟ »

قیس بن اشعث گفت: « ما نمی دانیم تو چه می گویی ولی به حکم پسر عمویت « عبیدالله » تن در ده؛ زیرا ایشان جز چیزی که تو دوست داری درباره تو انجام نخواهند داد.»

امام حسین فرمود: « نه به خدا، نه دست خواری به شما خواهم داد و نه مانند بندگان فرار خواهم کرد. ای بندگان خدا من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم از این که آزاری به من برسائید» (سوره دخان، آیه ۲۰) به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم از هر سرکش که به روز جزایمان نیاورد.

آن گاه شتر خویش را خوابانند و به « عقبه بن سمعان » دستور داد آن را دور کند. پس از آن سپاه دشمن به سوی آن امام حمله بردند.

ارشاد مفید، ج ۲، ص ۱۰۰ - ۱۰۲

تأسی به حسین بن علی علیه السلام

الگوی اسماعیل صادق الوعد

ابن بابویه و ابن قولویه به اسانید معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که برید عجلی از آن حضرت پرسید که: اسماعیل که خدا در قرآن مجید او را به صادق الوعد وصف نموده آیا اسماعیل پسر ابراهیم است؟ حضرت فرمود: بلکه اسماعیل فرزند حزقیل است، حق تعالی او را بر جماعتی مبعوث گردانید، پس او را تکذیب کردند و پوست سر و رویش را

کندند، آنگاه خدا بر ایشان غضب کرد و سطا طائیل ملک عذاب را فرستاد تا به نزد آن پیغمبر عالی مقدار آمد و گفت: خدا مرا فرستاده است که اگر خواهی قوم تو را به انواع عذاب معذب گردانم، اسماعیل گفت: مرا به عذاب ایشان حاجتی نیست، خدا وحی نمود به او که: پس هر حاجت که داری عرض کن. حضرت اسماعیل گفت:

ص: ۵۷

پروردگارا تو پیمان از ما پیغمبران گرفتی برای خود به پروردگاری و برای محمد صلی الله علیه و آله و سلم به پیغمبری و برای اوصیای او به ولایت و امامت، و خبر دادی خلق را به آنچه ستمکاران امت با حسین بن علی جگر گوشه آن پیغمبر بعد از او خواهند کرد، و وعده دادی حسین را که او را به دنیا برگردانی تا خود انتقام کشد از هر که بر او ستم کرده و او را شهید کرده، حاجت من در درگاه تو آن است ای پروردگار من که مرا برگردانی به دنیا تا خود انتقام از قوم خود بکشم، پس خدا حاجت او را بر آورد، و حضرت اسماعیل با امام حسین علیه السلام در رجعت به دنیا بر خواهد گشت

به روایت دیگر گفت: می خواهم که صبر کنم در شکیبائی و به حسین بن علی تأسی نمایم .

جلاء العیون، مجلسی، ص: ۵۴۳

عوض شهادت امام حسین علیه السلام

محمد بن مسلم از باقرین علیهما السلام روایت کرده که فرمودند: خداوند در عوض شهادت حسین بن علی امامت را در ذریه او نهادند، و شفا را در تربتش قرار دادند و اجابت دعا را در زیر قبه او قبول فرمودند، ایام زائرین آن حضرت از عمر آنها حساب نمیشود، راوی گوید: به امام صادق عرض کردم: این خصلت به حسین میرسد فرمود: خداوند او را در منزل پیغمبر و با آن حضرت جای داده است، در این هنگام حضرت صادق علیه السلام این آیه شریفه را تلاوت فرمودند: وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ.

زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام / ترجمه إعلام الوری، ۱ جلد، اسلامیه - تهران، چاپ: اول، ۱۳۹۰ ق.

ص: ۵۸

اشعار

مدح

مه منور شعبان مه رسول خداست

مه منور شعبان مه رسول خداست

مه مبارک میلاد سیدالشهداست

به رهروان هدایت ز حق رسیده خبر
که روی دست محمد عیان چراغ هداست
تمام دین به روی دست های ختم رسل
و یا کتاب خدا روی سینه زهراست
به عدل و عزت و آزادی و کمال و شرف
خلاقند همه تشنه، فیض او دریاست
ملک به حسن تماشائیش، شده مبهوت
که این امام حسین است یا رسول خداست
نسیم خلد برین می وزد ز اطرافش
که بوی عطر خدا در مشام باد صباست
اگر تمام ملائک ز گاهواره او
پر دوباره چو فطرس طلب کنند رواست
نبی به طلعت زیباش خنده کرد و گریست
خدا به یمن قدمش بهشت را آراست
ز گاهواره به گودال خون نگاهی کرد
به خویش گفت که میلاد ما شهادت ماست
تمام خلقت یک لحظه بی حسین مباد
که بی حسین زمین بی کس و زمان تنهاست
به حلق تشنه و لب های خشک او سوگند
که خون او به گلستان وحی، آب بقاست

گرفت جام بلا را ز دست حضرت دوست

از آن تمام بلاها به چشم او زیباست

مگو چرا ز همه هست خود گذشت حسین

خدای داد به او هست و هست او را خواست

اگر ز بار غمش آسمان خمید چه باک

که گشت قامت اسلام با قیامش راست

وضو گرفت ز خون، پیش تیر قامت بست

که تا قیام قیامت از او نماز به پاست

ص: ۵۹

همیشه حج به وجود حسین می بالد

که کربلاش صفا بود و مروه شام بلاست

نماز و روزه و حج و جهاد می گویند

حیات ما همه مرهون سیدالشهداست

به پور هند جگر خواره چون گشاید دست

کسی که رشد و نموش به دامن زهراست

زهی جلال که در روی خون گرفته او

به چشم اهل نظر صورت خدا پیدااست

مگر نه خوردن خاک آمده به شرع حرام

چه حکمتی است، چرا تربت حسین شفاست؟

به تحت قبه او کن بلند دست نیاز

بگیر حاجت خود را که مستجاب دعاست

همه به حشر صدا می زنند یا زهرا

ولی ز فاطمه آید ندا، حسین کجاست

اگر چه سوم شعبان جمال خویش گشود

بدان ولادت او ظهر روز عاشوراست

قسم به ذات خداوند قادر بی چون

که خونبهاش خداوند گار بی همتاست

تمام اهل قیامت به چشم می بینند

حسین با تن بی سر شفیع روز جزاست

هنوز نغمه قرآن او بلند ز نی

هنوز نعره هیهات او به اوج سماست

هنوز خنجر قاتل ز خون اوست خجل

هنوز از عطشش، شعله در دل دریاست

هنوز ناله هل من معین اوست بلند

هنوز رأس منیرش به نیزه راه نماست

هنوز پرچم گلگون او به قله عرش

هنوز پیکر صد چاک او به دوش شماست

حسین رهبر آزادگان به هر عصری

حسین راه نمای تمام نهضت هاست

حسین مشعل تابنده هدایت خلق

حسین مصحف نور است و آیت عظماست

حسین جان دعا، جان ذکر، جان نماز

ص: ۶۰

حسین روح حرم، روح مروه، روح صفاست

گواه زنده من، ارجعی الی ربک

که بر حسین همانا خدا مدیحه سراست

حسین سوره فجر و حسین آیه نور

حسین نجم فروزان حسین شمس ضحاست

حسین زنده حق و حسین کشته حق

حسین بر همه باطل ستیزها مولاست

به وصف او که خدایش ثنا کند میثم

قصیده تو بود نارسا اگر چه رساست

به جای جای دلم جای پای تو است حسین

به جای جای دلم جای پای تو است حسین

خوشم که حنجره ام نینوای تو است حسین

هزار چشمه ی اشکم اگر دهند به چشم

خدا گوا هست که وقف عزای تو است حسین

صفا و مروه و رکن و مقام و کعبه ی من

به کربلات قسم کربلای تو دست حسین

به هر زمان که بخوانند نسل ها قرآن

درون حنجره هاشان صدای تو است حسین

به عالمی در دل بسته ام ز روز ازل

مگر به روی تو، این خانه جان تو است حسین

معمای خون تو را جز خدا نداند کس

به خون تو، که خدا خونبهای تو است حسین

اگر چه کعبه بود قبله ام به وقت نماز

دلم به جانب صحن و سرای تو است حسین

بهشت باد به اهل بهشت ارزانی

بهشت من حرم با صفای تو است حسین

زیارت همه پیغمبران زیارت حق

زیارت سر از تن جدای تو است حسین

تو آن صحیفه ی صد پاری ورق ورقی

که زخم های تنت آیه های تو است حسین

ص: ۶۱

به وصف غیر تو میثم سخن نخواهد گفت

هر آنچه گفته و گوید ثنای تو است حسین

آفرینش ز غبار قدم توست حسین

آفرینش ز غبار قدم توست حسین

آسمان سایه نشین علم توست حسین

کعبه و سعی و صفا، جلّ و حرم، رکن و قیام

صفحه ای از حَرَمِ محترمِ توست حسین
هر کجا عشق و کمال و عظمت دایره بست
نقطه دایره، نوکِ قلمِ توست حسین
نعمتی را که خداوند از آن می پرسد
دوستی تو و یک از نعمِ توست حسین
ذکر نام تو کنم در همه جا چون گویند
هر کجا نام تو آید حرمِ توست حسین
اشکِ روز و شب ما وقفِ تو ای کشته عشق
گریه گر هست سزاوار غمِ توست حسین
در میان حرمِ جمله امامان هدی
پرچمِ سرخِ نشانِ حرمِ توست حسین
من نگریم به عزایت که بهشتم بدهند
ور بهشتم بدهند از کرمِ توست حسین
گر خدا بگذرد از جرمِ دو عالم به جزا
یک جزای کمِ اصحابِ کمِ توست حسین
جگرم پاره شد از داغِ جگر گوشه تو
آن که افروخته سرو ارمِ توست حسین
کمرت بعد ابوالفضل دگر راست نشد
شاهدم اشکِ تو و قدّ خمِ توست حسین
در ره عشقِ زدی گام و در این راه خطیر

طفل شش ماهه تو هم قدم توست حسين

بر سرافرازی اسلام و براندازی کفر

قهرمان خواهر تو، هم قسم توست حسين

آيه كهف كه خواندى خبر پيروزي است

ص: ۶۲

سر بر نيزه بلندت علم توست حسين

سرود

عالم هستی یکسر شده گلشن

عالم هستی یکسر شده گلشن

يا رسول الله چشم و دلت روشن

اين ندا آيد از خدا آيد

اهل عالم عيد ميلاد حسين آمد

اهل عالم عيد ميلاد حسين آمد

جبرئيل امشب از حق پيام آرد

بر رسول الله عرض سلام آرد

تهنيت گويان از دل و از جان

اهل عالم عيد ميلاد حسين آمد

اهل عالم عيد ميلاد حسين آمد

مادر سادات قرآن به بر دارد

تا ز آياتش گلبوسه بردارد

حوریان خیزید دسته گل ریزید

اهل عالم عید میلاد حسین آمد

اهل عالم عید میلاد حسین آمد

سفره رحمت شد دامن صحرا

در شب عید ریحانه الزهرا

خانه مولاست جنهالاعلاست

اهل عالم عید میلاد حسین آمد

اهل عالم عید میلاد حسین آمد

ای گنهکاران! فلک نجات است این

شافع محشر، خضر حیات است این

روی حق رویش چشم دل سویش

اهل عالم عید میلاد حسین آمد

اهل عالم عید میلاد حسین آمد

هستی عالم بسته به یک مویش

انبیا با هم پروانه رویش

شمع دل این است جان شیرین است

اهل عالم عید میلاد حسین آمد

اهل عالم عید میلاد حسین آمد

خط سرخ او اسلام ناب ماست

حشر و میزان و دین و کتاب ماست

راه او پوییم با هم گوئیم

اهل عالم عید میلاد حسین آمد

اهل عالم عید میلاد حسین آمد

فاطمه می گوید امشب، ای فروغ هر دو عینم

ص: ۶۳

فاطمه می گوید امشب، ای فروغ هر دو عینم

صبح میلادت مبارک، ای حسینم ای حسینم

عزیز فاطمه گل سرخ علی

قلوب عاشقان ز نورت منجلی

حسین جانم حسین، حسین جانم حسین

چاره ساز خلق عالم، عالمی بیچاره تو

دست عالم، چشم فطرس، جانب گهواره تو

به سویت ملتجی گنه کاران همه

شفیع عالمین عزیز فاطمه

حسین جانم حسین، حسین جانم حسین

کشته خون خدایم، بنده کوی حسینم

هر که بودم هر که هستم، عاشق روی حسینم

وجودم یاد او شب میلاد او

همه ذکرم شده مبارک باد او

حسین جانم حسین، حسین جانم حسین

خیز و بین روی خدایی، نور مصباح الهدایی
چشم خود بگشا به رویش، جان خود را کن فدایی
گل سرخ علی به دست احمد است
سرم قربان او که هست احمد است
حسین جانم حسین، حسین جانم حسین
آفتاب حسن سرمد، میوه قلب محمد
شمع جمع آفرینش، یوسف زهرا خوش آمد
عجب شوری بود به بازار حسین
به دنبال آمده علمدار حسین
حسین جانم حسین حسین جانم حسین
عید عباس و حسین و جد و شور مؤمنین
آن گل دامان زهرا، این گل ام البنین است
سرشک شوق من، چکد از هر دو عین
که دل را داده ام، به عباس و حسین
حسین جانم حسین، حسین جانم حسین
با سرود عشق و شادی شعله بر غم می زخم من
از حسین و از ابالفضل، دم به دم، دم می زخم من

ص: ۶۴

زیارت می کنم، گل دو فاطمه

گهی در قتلگه، گهی در علقمه

حسین جانم حسین، حسین جانم حسین

خورشید حق شد جلوه گر، مه خریدارش

خورشید حق شد جلوه گر، مه خریدارش

آمد حسین ابن علی، با علمدارش

یا سیدی مولا حسین یا ابوفاضل

آمد به زهرا نورعین، بر همه تبریک

میلاذ عباس و حسین، بر همه تبریک

یاس ولایت آمده، سوی گلزارش

آمد حسین ابن علی، با علمدارش

یا سیدی مولا حسین یا ابوفاضل

دریای عصمت فاطمه، گوهر آورده

ام البنین از بهر او، یاور آورده

مولا امیرالمؤمنین، محو دیدارش

یا سیدی مولا حسین یا ابوفاضل

روح الامین دهد ندا که حسین آمد

برخیز و کن جان را فدا که حسین آمد

تابد در آغوش علی، ماه رخسارش

یا سیدی مولا حسین یا ابوفاضل

فاطمه ام البنین، چشم تو روشن

مولا امیرالمؤمنین، چشم تو روشن

جان آمده پروانه و، دل گرفتارش

یا سیدی مولا حسین یا ابوفاضل

مرثیه

ماه شب بیدار است شب وصل یار است

ماه شب بیدار است شب وصل یار است

عاشقان را امشب آخرین دیدار است

کربلا گشته معطر ز گلان زهرا

دفتر عشق و شهادت شده امشب امضاء

آه و صد واویلا شد شب عاشورا

عطر تسبیح و دعا پر شد امشب به فضا

همه یاران حسین مست از جام بلا

همه جا زمزمه ساغر و پیمانیه بود

سوزش شمع وفا و پر پروانه بود

آه و صد واویلا شد شب عاشورا

چشم لیلا و رباب نرود امشب خواب

در تلاطم دل او قلب این شد بی تاب
این بود محو تماشای قد اکبر خویش
لایبی لایبی به لب او به بر اصغر خویش
آه و صد واویلا شد شب عاشورا

بروای چشم و چراغ دل من

بروای چشم و چراغ دل من
ای همه هست من و حاصل من
تپش دل بشنو گوید آهسته برو
ای امید دل من همه ی حاصل من
گفتی از ناله تو دوری کن، چشم
هر چه دیدی تو صبوری کن، چشم
دستی از لطف برآر روی قلبم بگذار
ای امید دل من همه ی حاصل من
این صدای تپش قلبم نیست

در حسینیه ی دل سینه زنی ست
نوحه از تیغ و سُنین همه در وای حسین
ای امید دل من همه ی حاصل من

دوبیتی

ای نام تو نقش کشتی نوح، حسین

ای نام تو نقش کشتی نوح، حسین

مقتولی و مسمومی و مجروح، حسین

ای جان خلیل ها فدای تو ذبیح

کشتند تو را کشتن مذبح، حسین

جان را به حسین فدیہ می باید کرد

جان را به حسین فدیہ می باید کرد

تقدیم به دوست هدیه می باید کرد

فرمود رضا که گریه بر هر چه کنیم

بر مثل حسین گریه می باید کرد

هر کس که گریست در عزای تو حسین

هر کس که گریست در عزای تو حسین

او را برسد لطف خدای تو حسین

در باغ بهشت هم بود خانه به دوش

هر کس نرود به کربلای تو حسین

سرشک سرخ عاشورا است این خون

ص: ۶۶

سرشک سرخ عاشورا است این خون

خروش زینب کبراست این خون

روان تا حشر در رگ های اسلام

خضاب گیسوی زهراست این خون

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مراومه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

